مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال اول، شمارهٔ ۱۵، شنبه ۲۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸
تک شماره پانزده ریال

آموزش انقلابی - احکام جامد نیست رهنمای عمل است

رویدادهای انقلابی اخیر نشان داد که برای عمل درست انقلابی داشتن، اسلوب درست انقلابی در اندیشه و کردار، دارای چه اهمیت شگرفی است.

پدیده‌های اجتماعی سخت پیچیده است و در آن عوامل، اهرم‌ها، انگیزه‌ها، محورها و سطوح گوناگون وجود دارد: تاریخ گذشته در وقایع حال موثر است؛ ابعاد حال در بردآینده تاثیر دارد؛ عامل جهانی با عامل داخلی پیوند می‌خورد؛ پدیده‌ها با ماهیت‌ها یکی نیست؛ گاه پدیده‌ای مطبوع است و سرشتش ناپسند، گاه برعکس؛ عمده‌ها و غیر عمده‌ها درهم آمیخته است. برای ره بردن در درون این پیچیدگی‌ها، باید به‌آنچنان حربه‌ای از تفکر علمی و انقلابی و انتقادی مجهز بود که هم از دانش، هم از تجربه مایه‌ور باشد و صبورانه و به‌کمك جمع و با احترام به‌داوری‌های دیگران، پدیده‌های پیچیده را مورد تحلیل و تشریح و کالبدشکافی و پی‌کاوی قرار دهد و آن‌ها را به‌درستی درك کند.

یکی از مسائل مهم در اسلوب درست تفکر انقلابی، شیوه برخورد به آموزش انقلابی است. ما به‌یك آموزش انقلابی، که از جهت علمی و از جهت کارائی خود بسیار بسیار نیرومند است، به‌نام مارکسیسم ـ

بقیه در صفحهٔ ۴

صدمین زادروز دکتر مصدق را گرامی می‌داریم

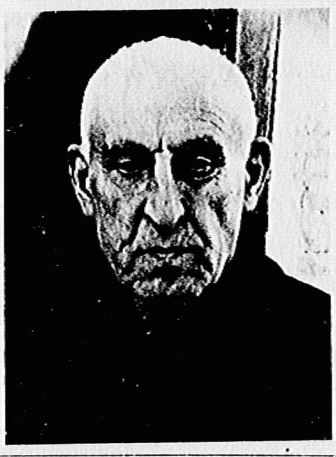

دکتر محمد مصدق یکی از چهره‌های درخشان میهن ما و از زمره سیاستمداران بزرگ و میهن‌پرستی است که یاد او در تاریخ مبارزات آزادی‌خواهانه و ضدامپریالیستی‌مردم ایران، به‌مثابه یك مظهر نبرد، همیشه باقی خواهد بود.

دکتر مصدق، در دوران سرسلسله خونخوار پهلوی، پیوسته مغضوب و مورد بی‌مهری رضاخان بود. بارها شداید زندان و تبعید را تحمل کرد، ولی هیچگاه حاضر نشد از موضع عالی خود به عتبه‌بوسی شاه تنزل کند.

نقش عمده دکتر مصدق، درجریان مبارزات میهن‌پرستانه وی پس از شهریور ۱۳۲۰ و خاصه در جریان ملی شدن صنایع نفت، امکان بروز یافت. تلاش وی درمقام نخست‌وزیری برای اجرای قانون ملی شدن نفت، که خود وی مبتکر آن بود، او را در دوجهت خارجی و داخلی با دشواری های توانفرسا مواجه ساخت.

بقیه در صفحهٔ ۶

یادی از دانشمند شهید دکتر علی شریعتی

برای ما افراد حزب تودهٔ ایران، نام‌شادروان دکتر علی شریعتی محترم است، زیرا وی از پیشتازان و بنیادگزاران ایدئولوژی سیاسی‌ـ اجتماعی اسلامی «بینش توحیدی» است، که در انقلاب اخیر ما نقش اهرم معنوی نیرومندی را ایفا کرده است.

در بحبوحهٔ قدرت استبداد شاه مخلوع،

بقیه در صفحهٔ ۲

ترکیب آزادی بامسئولیت و قاطعیت دربرابر ضد انقلاب با مراعات دستاوردهای انقلاب

یکی از دستاوردهای مهم انقلاب بزرگ مردم ایران، سرنگون ساختن رژیم استبدادی و بهره‌ورساختن مردم از موهبت گرانقدر آزادی است.

پس از ده‌ها سال فشار و تضییق، احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی و سندیکاهای کارگری و اتحادیه‌ها و کانون‌های صنفی امکان تشکل یافتند. مطبوعات و نشریات از قید سانسور آزاد شدند. در رسانه‌های گروهی آرمان‌ها و نظریات مردم بازتاب یافت. این یك دستاورد بلاتردید انقلاب است که احدی نمی‌تواند آن‌را انکار کند.

حزب ما برای آزادی‌های دمکراتیك ارزش فوق‌العاده‌ای قائل است. نیروهای اصیل خلقی، به‌اشکال مختلف، باید بتوانند در گفتگوی اجتماعی شرکت مؤثر داشته باشند. از برخورد نظریات، حقایق زائیده می‌شود، مسائل مکشوف می‌گردد. ما دشمن اختناق و تضییق هستیم و این یکی از انگیزه‌های مهم مخالفت و مبارزهٔ ما با رژیم گذشته‌بود.

مسئله آزادی، اعم از آزادی گفتار و آزادی اجتماعات، درجامعه کنونی ایران مسئله حساسی است. حساسیت این مسئله ناشی از آنست که جامعه پس از انقلاب، یك مرحله گذار را طی می‌کند. در این مرحله‌گذار، انقلاب باید بتواند راه خود را برای ایجاد یك تثبیت‌نو، بسود استقلال و دمکراسی و تغییرات بنیادی بسود مردم زحمتکش کشور بیابد. در این مرحلهٔ گذار، ضد انقلاب، در جامه‌های گوناگون، سخت سرگرم فعالیت است: از هر عمل یا اشتباه واقعی یا فرضی نیروهای انقلابی با مهارت استفاده می‌کند. شایعه می‌پراکند، تفرقه می‌اندازد، تحریك می‌کند، فتنه برپا می‌دارد، حادثه می‌آفریند. همین چند ماه که از پیروزی انقلاب گذشته، ما انبوهی از این حوادث را دیده‌ایم که اوج آن حوادث خونین سنندج، گنبد کاووس، نقده و ترور سرلشکر قرنی و آیت‌الله مرتضی مطهری بود.

تمام مسئله اینجاست که در این دوران دشوار و بغرنج، که ضد انقلاب با هزاران دست، هزاران شکل، با صرف میلیون‌ها و میلیون‌ها، می‌خواهد «بهشت از دست رفته» را بازگرداند، چگونه باید از آزادی های دمکراتیك استفاده کرد که:

۱. دستاوردهای انقلاب تحکیم و تعمیق شود.

۲. ضد انقلاب مجال سوء استفاده از تنوع ناشی از محیط آزاد به‌دست نیاورد.

توجه‌بهمین دونکته، مسئولیت مهمی برای همهٔ احزاب،سازمان‌ها، گروه‌ها، سندیکاها، اتحادیه‌ها، کانون‌ها، مطبوعات و نشریات ایجاد می‌کند.

اگر باین مسئولیت توجه نشود، عواقب آنها می‌تواند برای‌آزادی فاجعه‌آمیز باشد.

ولی در عین‌حال، وظیفه رهبری انقلاب است که درجریان‌مبارزهٔ بحق خود باضد انقلاب، و در مواردی‌که احساس کند ضد انقلاب‌مشغول سوء استفادهٔ از آزادی‌های ناشی از سقوط استبداد است، طوری عمل کند که مبارزه‌اش با ضد انقلاب به‌آزادی زیان نرساند.

بقیه در صفحهٔ ۲

دادگاه‌های انقلاب‌را باید پشتیبانی کرد نه تخطئه!

دادگاه‌های انقلاب که تبلور خشم‌وآگاهی مردم‌اند، از ضروری‌ترین‌ارگان‌های‌انقلابند و باید پذیرفت که تاکنون آنچنان که شایسته نامشان است، با قاطعیت انقلابی عمل کرده و به‌بخشی از آرمان مردم درتعقیب و مجازات خائنان، غارت‌گران و دزدان اموال عمومی تحقق بخشیده‌اند. توقع مردم آنست که این دادگاه‌ها با همین قاطعیت و با سرعت بیشتر بکار خود ادامه دهند و مجرمین را بکیفر خیانت‌ها و جنایت‌هاشان برسانند.

دادگاه‌های انقلاب از یك‌سو حمایت و پشتیبانی صمیمانه مردم راپشتوانه‌اقدامات خود دارند، و از سوی دیگر موردحمله و هجوم مداوم دشمنان داخلی و خارجی انقلاب و آن‌افرادی هستند که «خشونت» را رد می‌کنند. دشمنان داخلی و خارجی انقلاب امپریالیسم و صهیونیسم و ایادی آن‌ها، موذیانه زیر عنوان اجرای «عدالت و دموکراسی»، جریان کار دادگاه‌ها را تخطئه می‌کنند. آن‌ها پروسه قانونی دادگاه‌های دوران انقلاب را با دادگاه‌های عادی به‌عمد اشتباه می‌کنند و خواستار

بقیه در صفحهٔ ۵

دربرابر توطئه‌ها وتحریکات امپریالیسم امریکا علیه انقلاب‌ایران هشیار باشیم

جرج بوش، رئیس پیشین سازمان جاسوسی امریکا، که برای انتخابات رئیس جمهوری آینده امریکا خود را نامزد کرده، برای بازگرداندن مواضع از دست رفته‌امپریالیسم امریکا در ایران، خیال‌هائی در سر می‌پروراند. وی طی اظهارات چندی پیش خود خواستار آن شد که در ایران باید دولتی برسر کارآید که طرفدار و مدافع منافع غرب و وابسته به‌سیستم اقتصادی غرب باشد. جرج‌بوش در واقع مدعی‌است که روند و سمت انقلاب ایران را نه‌دولت انقلابی و مردم ایران، بلکه واشنگتن باید تعیین کند و لذا توصیه می‌کند که برای این منظور امریکا باید از تمام امکانات خود استفاده نماید. جرج‌بوش

بقیه در صفحهٔ ۳

میزان حداقل مزد کارگر

باید برای ارضای حداقل نیازمندی‌های حیاتی او کافی باشد

یکی از خواست‌های حیاتی کارگران در دوران پس از انقلاب بزرگ مردم ایران، تجدیدنظر در میزان حداقل مزد و تعیین حداقل جدیدی برای مزد کارگران است، که با توجه به‌گرانی موحش و روزبروز تهدیدکننده‌تر هزینه زندگی، بتواند حد اقل وسایل معاش را برای ادامه حیات خانواده‌های کارگری تامین کند.

بقیه در صفحهٔ ۵

شوراها باید ارگان‌های حاکمیت خلق باشند

حدود هفتاد سال پیش، در قانون اساسی قدیم ایران، تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی به‌منظور تامین شرکت وسیع‌تر و نزدیك‌تر مردم در اداره امور محل پیش‌بینی شده بود. در دوران‌رژیم‌خودکامه پهلوی، که تمام آزادی‌های دموکراتیك مردم ایران به‌نحوی خشن زیرپا گذارده شده بود، حتی از تشکیل صوری این انجمن‌ها نیز جلوگیری می‌شد.

پس از انقلاب مردم ایران، که تامین آزادی‌های دموکراتیك یکی از هدف‌های آن بود، تشکیل انجمن‌ها و یا شوراها،

بقیه در صفحهٔ ۴

نمایندهٔ ایران‌درکنفرانس اسلامی، امپریالیسم و صهیونیسم را محکوم کرد

دهمین کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی، که در شهر فاس در مراکش، برگزار بود، پس از پنج روز به‌کار خود پایان داد.

در این کنفرانس نمایندگان ۲۲ کشور اسلامی شرکت داشتند و نخستین کنفرانسی بود که پس از پیروزی انقلاب ایران، هیئت نمایندگی دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در آن حضور داشت، که نقش آن در کار کنفرانس بسیار مؤثر و مثبت بود.

پس از اعلام پیوستن ایران به‌گروه کشورهای غیرمتعهد، شرکت فعال هیئت نمایندگی دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس فاس، از نمودارهای امیدبخش و مؤثر خط‌مشی سیاست خارجی دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم و پشتیبانی از جنبش‌های رهائی‌بخش ملی در کشورهای آسیا و افریقااست.

اکثر قطعنامه‌های مصوب‌در این‌کنفرانس درباره اوضاع خاور میانه، پشتیبانی از جنبش های رهائی‌بخش ملی و مبارزه بر

بقیه در صفحهٔ ۳

پیام به‌مؤلفان و مترجمان آثار مترقی

دایره انتشارات حزب تودهٔ ایران از همه مؤلفان و مترجمان آثار مترقی، که مایل باشند آثار خود را برای انتشار در اختیار حزب قرار دهند، دعوت می‌کند که شخصا یا کتبا با دفتر روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران، تماس بگیرند.

نشانی: تهران، خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

کمك مالی به حزب تودهٔ ایران یك وظیفهٔ انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب تودهٔ ایران، حزب طبقهٔ کارگر ایران، پس از سی‌سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به‌تاکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف ازجمله به‌قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمك مالی به‌حزب تودهٔ ایران یك وظیفهٔ انقلابی است. فداکاری‌های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرورانگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به‌پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمك مالی را می‌توان مستقیماً به‌دفتر حزب داد و یا با تلفن ۹۳۵۷۳۸، ۹۳۴۴۵۹ ـ آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمك داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌توانند کمك مالی خود را به‌حساب بانکی زیرین بپردازند:

حساب بانکی به‌نام تقی کی‌منش و به‌شمارهٔ ۳۲۳۳، شعبهٔ ۴۱۸ بانك ملی‌ایران، (شعبه شاه‌اسماعیل‌صفوی)، خیابان شهیددکترحسین فاطمی (ایران نوین سابق)،

رویدادهای ایران

○ اعتراف افشاگرانه در دادگاه انقلاب

فریادهای افشاگرانه‌ای که حزب تودهٔ ایران و چند سازمان آزادی‌سو، دیگر، سال‌ها برآوردند تا به‌همه جهانیان ثابت کنند که خانواده شاه مخلوع، به‌سرپرستی خواهر شاه مخلوع «اشرف»، محفوظ‌ترین باند توزیع مواد مخدر در ایران و دیگر کشورها را به‌عهده دارند، سرانجام این هفته از دهان یکی از متهمینی که در دادگاه انقلابی کرمان به‌محاکمه کشیده شده بود، به‌صورت اعتراف بیرون آمد. این متهم، که سرگرد سیدعلی‌اصغر طباطبائی نام دارد و در عملیات به‌اصطلاح مبارزه با مواد مخدر و در حقیقت مبارزه با مشتی خرده‌پا، که به باند بزرگ اشرف برای پخش مواد مخدر دخالت می‌کردند، شرکت داشته است، در این دادگاه گفت: «در ابتدا اشرف پهلوی از خارج مبادرت به‌وارد‌کردن هروئین می‌کرد و سپس با ایجاد لابراتوارهائی در دهکده‌های اطراف همدان، گذشته از این که احتیاجات متعادین داخلی را تامین می‌نمود، مقادیر قابل‌توجهی هم به‌خارج صادر می‌شد.»

لابد برپائی این لابراتوارها به‌دنبال رسوائی‌هائی بوده که برسر قاچاق مواد مخدر به‌سرپرستی اشرف در خارج از ایران برپا شده بود. ما خواهان افشای تمام نقشه‌های باند قاچاق هروئین به‌سرپرستی خاندان شاه مخلوع، که بی‌شك اکنون مدارك آن در دست رهبران انقلاب است، هستیم تا هنرمان با افشای توطئه‌ای که به‌این وسیله علیه نسل جوان وطن‌مان وجود داشت، مبارزه با مواد مخدر و اعتیاد، در سطحی وسیع و باآگاهی لازم صورت گیرد.

○ نکته‌ای مهم از زبان شهردار تهران

در این هفته شهردار تهران به‌کسانی که قصد خرید خانه دارند، هشدار داد که در این زمینه اقدام نکنند، زیرا برنامه‌هائی در دست تهیه و اجراست، که قیمت زمین را به‌صفر می‌رساند. هنوز به‌درستی مشخص نیست که این برنامه‌ها چیست و چگونه می‌خواهد به‌اجرا گذاشته شود، اما آنچه مسلم است اینست که، شهردار تهران برای شکستن بازار سیاه مسکن، به‌نکته بسیار مهمی اشاره کرد و آن پایان‌دادن به هرگونه بورس‌بازی زمین است، که میراث شوم رژیم وابسته و ضدمردمی گذشته است. ما ضمن تاکید و تائید براین هدف، اعلام می‌کنیم که حاضر به‌همه‌گونه همکاری با شهرداری و دولت، برای فراهم کردن طرحی جهت پایان دادن به‌بورس‌بازی زمین و بی‌ارزش کردن زمین و در نتیجه توسعه مسکن‌سازی برای پایان مشکل مسکن در ایران هستیم.

○ رژیم گذشته، خلق‌های ایران را از هم جدا کرد

در این هفته کنفرانس استانداران، برای نخستین‌بار پس از پیروزی انقلاب شکوهمند و خلقی ایران، در تهران افتتاح شد. نخست‌وزیر با سخنانی کلی کنفرانس را افتتاح کرد. ظاهرا دو موضوع اساسی درکنفرانس مورد بررسی قرارگرفته است. اول مسئله خلع‌سلاح و حوادث ناشی از پخش اسلحه به‌طور وسیع در دست مردم و دوم تجدیدنظر در محدوده جغرافیائی برخی از استان‌های ایران. ما ضمن تاکید بر هر دو مسئله که می‌بایست به‌شکلی منطقی و خلقی و به‌سود انقلاب حل شود، در باره محدوده جغرافیائی استان‌ها، این نکته را می‌افزائیم که تقسیم‌بندی جغرافیائی استان‌های ایران در سال‌های گذشته، توسط رژیم ضدمردمی شاه ــ ساواك، صرفا با توجه به نقشه غارت و جدائی خلق‌ها از یکدیگر صورت گرفته است. نمونه این تقسیم‌بندی را می‌توان در منطقه آذربایجان و کردستان ایران مشاهده کرد. در برخی از نقاط دیگر انگیزه‌های نظامی باعث این تقسیم‌بندی‌ها شده است. با تقسیم‌بندی و جدائی خلق‌های ایران به‌طور ناجوانمردانه از یکدیگر، رژیم شاه ــ ساواك قصد ایجاد نفاق و کینه بین خلق‌های ایران را هم دنبال کرده است و با محروم‌کردن برخی از استان‌های ایران از هرگونه برنامه عمرانی، ضمن انتقام‌کشی از خلق‌های غیور و پرسابقه در امر مبارزه با رژیم شاه مخلوع، قصد ایجاد اختلاف بین مردم استان‌های مختلف را نیز دنبال کرده است. به‌عنوان نمونه ازکردستان و کرمانشاه و آذربایجان و سیستان و بلوچستان و منطقه ترکمن‌نشین ایران می‌توان نام برد.

در بسیاری از برخوردهای ناگواری که در ماه‌های اخیر روی داده و منجر به خونریزی و برادرکشی شده است، عمال سرسپرده رژیم سرنگون شده، از همین بذر نفاق و تبعیضی که قبلا کاشته شده، استفاده کرده‌اند. مجموع همین مسائل ما را برآن می‌دارد که درباره تجدیدنظر در تقسیم‌بندی مناطق مختلف ایران و استان‌هائی که وجود دارد، تاکید کنیم که باید هرچه زودتر در این تقسیم‌بندی‌ها تجدیدنظر شود و خلق‌های ایران، که بدزور سرنیزه از هم جدا شده‌اند، در یك محدوده جغرافیائی قرارگیرند.

ترکیب آزادی با مسئولیت و قاطعیت...

حوادث مربوط به‌روزنامه «آیندگان» و «کیهان» نگرانی‌هائی را در میان مردم صدیق، که علاقه‌مند به‌حفظ و تحکیم انقلاب هستند، به‌وجود آورده است. آن‌ها از خود می‌پرسند: «آیا این آغازیك‌جریان منفی علیه آزادی‌های دمکراتیك نیست؟»

ما به‌نوبهٔ خود این نگرانی را نمی‌خواهیم تائید کنیم، زیرا عمل رهبری انقلاب تاکنون درجهت منافع خلق و انقلاب بوده و هست ما متوجه دشواری و بغرنجی وضع وضرورت نبرد بی‌امان باضدانقلاب هستیم. ما می‌دانیم که عناصر بی‌مسئولیت، همراه با افراد ضدانقلابی، می‌کوشند رسانه‌های گروهی و از آنجمله مطبوعات را مورد استفاده خود قرار دهند. ما احساس می‌کنیم که رهبری انقلابی هدفش مبارزه با این جریانات فاقد مسئولیت و ضدانقلابی است. ولی همچنان که گفتیم، باید در اجرای این وظایف، در عین حفظ قاطعیت، بدان طرز رفتار کرد که موجد سوء تفاهم دربارهٔ نیات رهبری انقلاب نشود.

شیوهٔ مهم ضد انقلاب آنست که از سمت راست سخن یا عمل تحریك‌کننده‌ای را بهمیان آورد و از سمت «چپ» آن سخن و عمل را بشکل فاجعه‌آمیزی بزرگ کند. عمال ضد انقلاب در همه‌جا نشسته‌اند. آن‌ها سروته یك عمل واحدرا، که «فتنه‌انگیزی ضدانقلابی» است، در زیر رهبری واحد امپریالیستی ــ صهیونیستی ــ ساواکی، روبه‌راه می‌کنند. در چنین شرایطی است که دوستان صدیق انقلاب هم به‌نوبهٔ خود باید بکوشند تا:

اولا همبستگی خود را به‌هرقیمتی هست حفظ کنند و اجازه ندهند که دشمن غدار در میان آنها شکاف اندازد؛

ثانیاً طوری در مقابل فتنه‌انگیزی ضد انقلابی واکنش کنند که در عین قاطع بودن، برای مردم مفهوم باشد و مردم عدالت و صحت آنرا درك کنند و در مردم نگرانی نسبت به‌دستاوردهای انقلاب پدید نیاورد.

فن رهبری انقلاب فنی است دشوار، به‌ویژه در شرایط مشخص جامعهٔ ما. این فن مراعات دقیق قطب‌های متضاد در درون جبههٔ‌نیروهای انقلابی را می‌طلبد.

«مردم» و شما

تعداد نامه‌های واصله زیاد است. بنابراین از دوستان «مردم» تقاضا می‌کنیم در انعکاس مطالب نامه خود حوصله داشته باشند. اخبار و اشعار و پرسش‌های بسیاری نیز می‌رسد. جا دارد در مورد اشعار بگوئیم که تعداد آن‌ها به‌قدری زیاد است ــ و البته همه در یك سطح هنری نیستند ــ که چاپ آن‌ها برای «مردم» مقدور نخواهد بود. امیدواریم بتوانیم از بخشی از آن‌ها یا قطعاتی از هر شعر استفاده کنیم. دوستی که از تبریز نامه فرستاده با تلفن جویای وصول آن شده است. نامه رسیده است. سعی می‌کنیم وصول نامه‌های دارای امضا یا حروف مشخص‌کننده نام را، از قبل‌اعلام کنیم، تا خیال فرستندگان نامه‌ها راحت شود.

*

دوستی از اردبیل می‌نویسد: «روز جهانی کارگر خواستیم در راه‌پیمائی‌شرکت کنیم، ولی پس از چندصد متری، کسانی بما حمله کردند و سه چهارتا از بچه‌ها را زخمی کردند، به‌طوری که سه نفر را به بیمارستان مدنیهم، سردسته‌های حمله کنندگان شناسائی شده‌اند و معلوم‌الحال‌اند. و آن‌ها تا دو سال پیش دانش‌آموزان و تهدید می‌کردند که پیش ساواك خواهند فرستاد و یا در چشن‌های طاغوتی طاق‌نصرت بپا می‌کردند.

«دوست عزیز! در مقابل عمال پنهان و آشکار ساواك، که اینك به لباس‌های دیگر درمی‌آیند تا تفرقه‌افکنی کنند و بخصوص دعوای ساختگی مذهبی و غیرمذهبی راه بیاندازند و دشمن اصلی را، که امپریالیسم جهانخوار و بقایای دار و دسته شکست خورده، ولی تسلیم نشده شاه مخلوع‌هستند، از انظار پنهان کنند. باید صمیمانه و پی‌گیرانه با عناصر صدیق انقلابی، دارای هرگرایش و مسلك و مذهبی که هستند، علیه این دشمن اصلی و عمال نفاق‌افکن‌آن مبارزه کرد.

*

«م. ع» (یا م. ر.) در نامه خود از کرمانشاه، جریان تظاهرات مردم‌کرمانشاه را در جهت محکوم کردن روش‌های محافظه‌کارانه دادگاه انقلاب در آن شهر و تائید مشی امام خمینی مبنی براین‌که جنایت‌کاران و عمال رژیم سابق وساواکی‌ها جرمشان مشهود است و باید مجازات‌شوند، برای ما نوشته است. وی می‌نویسد: «مردم که توجه داشتند به ضدانقلابیون نباید فرصت خودنمائی داده شود، در اجتماع‌خود محافظه‌کاری را بهشدت تقبیح کردند و دستگیری و مجازات جنایتکاران و عمال ساواك را، که همچنان آزاد می‌گردند، خواستار شدند و قطعنامه ده‌ماده‌ای در این باره و حمایت از قاطعیت و برندگی دادگاه انقلاب صادر کردند.

*

دوستی که با نام «یك کمونیست» نامه خود را امضا کرده، خواستار است‌نشریات یا حروف چاپی درشت‌تر چاپ شود و قیمت‌ها نیز ارزان‌تر باشد.

دوست گرامی! انتشارات گذشته، البته از این عیب، به‌علت شرایط دشوار و نبودن وسایل چاپ عاری نبود. حالا امیدواریم رضایت‌بخش‌تر باشد. حروف «مردم» که خوب است. کتبی که از این به‌بعد چاپ خواهندشد، معمولی خواهدبود. اما قیمت‌ها دیگر مربوط است به بهای کاغذ و چاپ و صحافی و توزیع و غیره، و البته ما نمی‌توانیم به‌خود اجازه دهیم که ارزان‌تر از مخارج، نشریات را عرضه کنیم. برعکس امیدواریم دوستان از راه خرید و پخش هرچه بیشتر آن‌ها بما کمك رسانند.

*

دوست عزیز «م. ن»! نامه شما رسید. از این که انتقادها و نظریات خود را برای بهبود کار ما نوشته‌اید بسیار خرسندیم. درمورد انعکاس بزرگداشت خورروزه، در شماره ۱۴ نیز «در حاشیه مراسم» و هم‌چنین رپرتاژهای نسبتا مفصل‌ازشهرستان‌ها چاپ شده که تا اندازه‌ای به‌ایراد شما پاسخ می‌گوید، اگرچه اصل نظر شما درست است. مسئله توزیع روزنامه براستی مشکلی است که امیدواریم به‌تدریج برآن نائل آئیم. و امیدواریم در دفتر مرکزی هم تعداد بیشتری‌موجودباشد. تذکرشمارادرموردنسبت بین مطالب و موضوعات در نظرخواهیم داشت و متقابلا مطالب شما را آرزو می‌کنیم. و منتظر نامه‌های دیگر هستیم.

*

دوست عزیز «هاشم. ع» (کرمانشاه) نامه شما رسید. از اطلاعی که داده‌اید، متشکریم. لازم بود از دوستان که همکاری نموده و برای فعالیت شما تسهیلات لازم را فراهم کرده‌اند، سپاسگزاری کنید. هواداران انقلاب و مخالفین با امپریالیسم یکدیگر را می‌یابند و هرچه صمیمانه‌تر و مستحکم‌تر همکاری می‌کنند، مبارزه آن‌ها متین و زودتر قرین موفقیت خواهد بود.

*

یادداشت بی‌امضائی در باره ضرورت بزرگداشت شهدای رشت رسید. این شماره را ملاحظه فرمائید.

*

آقای «استثمارشدنده»! نامه و چند یادداشت شما رسیده‌است. با شما موافقیم که باید همه یا هم خود را از پلیدی‌ها بزدائیم و به آباد کردن وطنمان بکوشیم و عقیده خود را به زور تحمیل نکنیم و با همه جهان براساس دوستی و احترام متقابل رفتار کنیم. برخی از مطالبی که نوشته‌اید برای ما مفهوم نشد. امیدواریم مسافرت شما بکرج ثمربخش باشد.

*

آقای «الف ــ د» نامه شما در باره دادگستری و تعویض وزرا در گذشته، بدون آن که سیاست و روش عوض شود، رسید. موفقیت شما را خواهانیم.

*

آقای «ق. ل» نامه شما رسید. مطلب را بدرفقای مربوطه دادیم. در ضمن مطالبی که پیرامون لزوم‌ائتلاف گروه‌های مترقی نوشته‌اید، مورد تائید ماست. خوشحالیم که برنامه حزب ما را در مورد جبهه متحدخلق خود پشتیبانی قرار می‌دهید و خواستار پافشاری و پی‌گیری در این جهت‌هستید. درود، ما را بپذیرید.

*

در پایان قطعه شعری را که خوانده، ما «ه. چ. ت» نوشته، چاپ می‌کنیم:

به گرد شهید، خسرو روزبه

او ایستاده بود،
چون لاله سرخ،
چون کوه استوار.
...
بك... دو... سه
ــ آتش.
...
با قامتی بلند
با سینه‌ای ستبر
با چهره‌ای مصمم
با خشم و پرخروش
به ذلت،
فرمان ایست داد.

> **هنوز بیش از چند شماره‌ای از «مردم» انتشار نیافته که مردمی که آن را متعلق به‌خود می‌دانند، به‌آدرس ما نامه‌های متعددی می‌فرستند، نظریات اصلاحی، انتقادی و پیشنهادهای خودرامی‌نویسند، پرسش‌هایی را مطرح می‌کنند و گاه مقالاتی و اشعاری ارسال می‌دارند.**
>
> **«مردم» مال شماست و بدیهی است که پس از این نخستین‌شماره‌های‌دوره جدیدش، ستون‌های نوین متعلق به خوانندگان را باز کند، از این پس در ستون «خوانندگان مردم می‌نویسند»، ما نوشته‌ها و نظریات شما را منعکس می‌کنیم و در ستون «پرسش‌ها وپاسخ‌ها» به‌سئوالات شما به‌طور خلاصه پاسخ می‌دهیم.**
>
> **درخواست ما اینست که: مقالات و نظریات خود را تا حد امکان کوتاه بنویسید.**
>
> **نوشته‌ها برروی یك طرف کاغذباشد.**
>
> **اگر میل ندارید نام شما در روزنامه قید شود حتما درنامه متذکر شوید.**
>
> **اخباری را که می‌فرستید، جدا از مطالب و نظریات بنویسید، زیرا در ستون‌های جداگانه منعکس خواهد شد.**
>
> **بهیچ تحریریه اجازه دهید که حق کوتاه‌کردن مطالب وارده و یا انتخاب اشعار واصله و غیره را داشته باشد.**
>
> **علاوه بر ارسال نامه به‌وسیله پست اگر میل دارید می‌توانید مستقیما نامه‌های خود را به‌دفتر روزنامه در تهران، خیابان ۱۶آذر شماره ۶۸ در صندوق ویژه کنار در ورودی بیاندازید.**

یادی از دانشمند شهید دکتر علی شریعتی...

این دانشمند جوان، در حسینیه ارشاد، با دادن تعبیری انسان‌گرایانه و مردم‌گرایانه از قرآن و اسلام، آن‌را به‌حربه‌ای برای مبارزه برضد قدرت سیطره‌مند زمان بدل کرد و در این راه دچار عذاب‌های مهیب تا حد شهادت شد.

نکته مهم در تلاش معنوی دکتر علی شریعتی آنست که، وی کوشید تا مذهب را به‌پل رابط مابین اقلیتی که خواستار تحول اجتماعی بود و اکثریتی که از دین تنها مراسم عبادی آن‌را می‌فهمید، بدل کند. و بدین‌سان، به‌گفتهٔ خود او، کوشید تا «جزیره روشنفکران» را به«ساحل مردم» متصل سازد.

نکته مهم دیگر در این تلاش معنوی این بود که، وی مابین مفهوم خدا (الله) و انسانیت (ناس) در قرآن، هماهنگی شگرفی می‌دید و این دو مفهوم را از هم جدا نمی‌داشت، چیزی که عمق انسان‌گرائی او را نشان می‌دهد. اثر مهم و بزرگ‌شادروان دکتر علی شریعتی موسوم به«حج»، در واقع حماسه دلاوریِ انسانیت است، که با اندیشه‌ای ژرف‌کاو و زبانی شاعرانه نگاشته شده.

بازهم نکتهٔ مهم دیگر در این تلاش‌معنوی، تعبیری است که دکتر شریعتی از «شرك» داده است. «شرك»، که در مقابل «توحید» است، در نظر او عبارتست از تثلیث یا پرستش سه‌خدای اهریمنی «زور و زر و تزویر». در دوران موسی، مظهر زور فرعون بود، مظهر زر، قارون و مظهر تزویر، بلعم باعور (که زهد و دین را در خدمت صاحب زر و زور نهاده بود). دکتر علی شریعتی نقشی را که مذاهب تزویر گرانه در خدمت خداوندان زر و زور در تاریخ ایفاکرده‌اند، نیك می‌بیند. به‌عقیده دکترشریعتی، «دوران اوزوم، عنب، انگور» بین‌مردم‌تفرقه‌نیافکند، آنگاه اتحاد معنوی و عملی آن‌ها می‌تواند اعجاز انقلاب را به‌اعجاز تحول بنیادی سراپای جامعه ما بدل کند. ما شعاری را که امام خمینی، رهبری انقلاب مرتبا تکرار می‌کند، یعنی شعار ضرورت «وحدت کلمه» را به‌همین‌نحو درك می‌کنیم.

> **اگر به‌گفته آیت‌الله طالقانی، «داستان ما، استعمار و استثمار و استحمار مظاهر این تثلیث، این شرك است.**
>
> **به‌قول مولوی:**
>
> **«ما برون را ننگریم و قال را**
> **ما درون را بنگریم و حال را»**
>
> **به‌همین‌جهت، نظریات دکتر علی شریعتی و دیگر اندیشه‌وران امروزی بینش توحیدی که با انسان‌گرائی «هومانیسم» و مردم گرائی (دمکراتیسم) همراه است، برای ما دلپذیر و جاذب است و ما میان اندیشه‌های انقلابی خود و این اندیشه‌ها، خویشاوندی معنوی بسیاری احساس می‌کنیم.**
>
> **بدون‌ترديد نام دانشمند شهید زنده یاد، دکتر علی شریعتی، در تاریخ تفکر انقلابی و جنبش انقلابی مردم ایران، به‌مثابهٔ نمایانی باقی خواهد ماند. ما به‌نوبه خود این نام‌را گرامی می‌داریم و محترم می‌شماریم و به‌همه دوستداران شریعتی می‌گوئیم: «دست دوستی ما به‌سوی شما آخته است.»**

قابل توجه ناشران

مدتی است که ناشران، افرادوموسسات گوناگون، انتشارات حزب توده ایران را، بدون موافقت و اجازه حزب، تجدید چاپ می‌کنند و به‌فروش می‌رسانند.

بدین‌وسیله به‌اطلاع‌همگان و به‌ویژه ناشران می‌رساند که تجدید چاپ، پخش و فروش انتشارات حزب توده ایران، بدون موافقت و اجازه کتبی حزب ممنوع است.

از کسانی که تاکنون انتشارات حزب توده ایران را تجدید چاپ‌کرده و بفروش رسانده‌اند، خواهشمنداست که برای روشن ساختن وضع حقوقی و مالی آنچه که تاکنون توسط آن‌ها انتشار یافته، به‌دفتر «مردم» مراجعه کنند.

ناشرانی هم که میل دارند انتشارات حزب توده ایران را چاپ و باتجدید چاپ‌کنند، باید برای کسب موافقت و اجازه حزب به‌دفتر «مردم» مراجعه کنند.

بدیهی است این خواست قانونی مورد توجه همه علاقمندان به‌انتشارات حزب توده ایران قرار گیرد.

دبیرخانه کمیته‌مرکزی حزب توده ایران

> **به بخش هرچه وسیع‌تر «مردم» کمك کنید**
>
> **کمك به‌توزیع و پخش هرچه‌وسیع‌تر روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی‌حزب توده ایران، یك وظیفه انقلابی و مترقی است. از کلیه دوستان، هواخواهان و داوطلبان که برای پیشبرد این هدف، در هر نقطه ازتهران یا هریك از شهرها و روستاها،امکاناتی دارند، تقاضاداریم با دفتر مرکزی «مردم» تماس بگیرند.**

از تاریخ بیاموزیم

جنبش‌های انقلابی مردم در سال‌های ۱۹۲۱-۱۹۱۷

مقدمه

سال‌های جنگ اول جهانی و بخصوص سال‌های پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، یکی از پرچوش و خروش‌ترین سال‌های تاریخ معاصر ایران است. در آن زمان اوضاع داخلی کشور و تناسب قوای جهانی چنان بودکه، بیش از ده‌سال سرتاسر کشور را در تب وتاب نگاه‌داشت و اشکال بسیار متنوعی از نبرد را بوجود آورد.

سال‌هائی که از آن سخن می‌گوئیم، از نظر داخلی، بلافاصله پس از انقلاب مشروطه ایران است. این انقلاب فریب شش‌سال (۱۹۱۱ ــ ۱۹۰۵) ــ که مدت کوتاهی نیست ــ ادامه یافت. در این مدت جامعهٔ ایران بیدارتر و هدف‌های انقلاب روشن‌تر شد. در درون جامعه ایران نیروهائی جان گرفتند که می‌خواستند و می‌توانستند انقلاب را پیش‌برند و به‌هدف‌های ضدامپریالیستی و ضد استبدادی آن برسانند. ولی در ۱۹۱۱ انقلاب مشروطه، براثر دخالت مستقیم روسیه تزاری و استعمارگران انگلیسی، با یك کودتای ارتجاعی متوقف شد. این سال در تاریخ، به‌عنوان سال پایان انقلاب مشروطه، شناخته شده، ولی در واقع جنبش انقلابی پس از آن نیز به‌وسعت ادامه‌یافت.

تودهٔ‌ال‌های مرتجعی که به‌دور دربارقاجارگردآمده‌بودند، از دخالت امپریالیست‌ها و شکست انقلاب خرسند بودند. آن‌ها خود، با کمك جناح سازشکار و خائن بورژوازی بزرگ، کودتای ۱۹۱۱ را تدارك کردند و بموقع اجرا گذاشتند، ولی پس از کودتا قدرت آن‌را نداشتند که همهٔ کشور را کنترل کنند. قدرت مرکزی آنان بسیار تضعیف شده بود. هریك از تودهٔ‌ال‌ها و سران عشایر برای خود قدرتی بودند و سیاست معینی را دنبال می‌کردند. حتی قدرت دولتی در پایتخت کشور نیز متمرکز و متشکل نبود، تا جائی‌که نیروهای مسلح به‌چند واحد مجزا: قزاق و نظمیه وغیره تقسیم می‌شد، که چندان تابع فرماندهی واحدی نبودند.

بورژوازی ایران و بخشی از سران عشایر علاقه‌مند بودند که‌مشروطه واقعا اعمال شود و دست اجانب از کشورقطع گردد، ولی‌نمی‌خواستند که‌توده مردم تجهیز شده، کار انقلاب را بدست گیرند، لذا می‌کوشیدند حساب‌های سیاسی خود را با حساب‌های یکی از طرفین جنگ امپریالیستی هماهنگ نمایند و از نیروی یکی علیه دیگری بهره‌گیرند. از اینجا بود که بخشی از جنبش انقلابی ایران طرفدار آلمان، هوادار عثمانی یا طرفدار امریکا بود.

از نظر سیاست بین‌المللی، سال‌هائی که از آن سخن می‌گوئیم آغاز بحران عمومی سرمایه‌داری است، که در آن تضاد دول امپریالیستی به‌اوج خود رسید و به‌نخستین جنگ جهانی وبرانگر انجامید. در این جنگ، خاور میانه و به‌ویژه ایران، یکی از حلقه‌های اصلی تضاد درندگان امپریالیستی بود. البته در ۱۹۰۷ استعمارگران انگلیسی و غارتگران تزاری ایران را میان خود تقسیم کرده و در ۱۹۱۵، با انعقاد قرارداد دیگری، به‌آخرین توافق‌ها بر سر محو بقایای استقلال کشور ما دست یافته بودند، ولی هنگامی‌که جنگ آغاز شد، ایران هنوز رسما کشورمستقلی بود و با بسیاری از کشورهای جهان مناسبات رسمی سیاسی و اقتصادی داشت. به‌عبارت دیگر، سایر دول امپریالیستی، و قبل از همه امپریالیسم آلمان و امپریالیسم آمریکا، دعوا برسر ایران را تمام شده تلقی‌نمی‌کردند و امیدوار بودند که، در میدان جنگ و یا در عرصه سیاست و توطئه، بر رقبا پیروز شوند، و بر ایران تسلط‌یابند. اوضاع داخلی کشور، و به‌ویژه روش مخالفی که چشم به‌حمایت آلمان و عثمانی یا امریکا دوخته بودند، برامید آنان می‌افزود.

از اینجا بود که درآستانهٔ جنگ اول جهانی، کشور ما به‌یکی از عرصه‌های بسیار داغ نبردهای سیاسی و سپس به‌یکی ازمیدان‌های نبرد نظامی طرفین متخاصم بدل شد و زمانی رسید که در خاك ایران، واحد های نظامی چهاردولت امپریالیستی، در آن واحد، حضور داشتند و پاهم زورآزمائی می‌کردند و درست در همان‌زمان چشمان حریص چندین‌دولت دیگر نیز نگران ایران بود.

طبیعی است که در چنین اوضاع پرنیج داخلی و خارجی، جنبش انقلابی مردم ایران اشکال بسیار متنوعی به‌خود می‌گرفت.

سرنگونی تزاریسم و سپس سرنگونی حاکمیت ملاکان و سرمایه‌داران روسی و پیدایش نخستین دولت کارگر ــ دهقانی، تناسب قوای بین‌المللی جهانی جان گرفتند که می‌خواستند و می‌توانستند انقلاب را پیش‌برند و به‌هدف‌های ضدامپریالیستی و ضد استبدادی آن برسانند. ولی در ۱۹۱۱ انقلاب مشروطه، براثر دخالت مستقیم روسیه تزاری و استعمارگران انگلیسی، با یك کودتای ارتجاعی متوقف شد. این سال در تاریخ، به‌عنوان سال پایان انقلاب مشروطه، شناخته شده، ولی در واقع جنبش انقلابی پس از آن نیز به‌وسعت ادامه‌یافت.

تنها یك نظر کوتاه و گذرا به‌فهرست حوادث این سال‌ها و سال‌های بلافاصله پیش از آن، می‌تواند نشان دهد که چه سال‌های پرحادثه و پرنیجی برمردم ما گذشته و چه تجربه غنی و همه‌جانبه‌ای می‌توان و باید از بررسی این کسب کرد.

انقلاب شمال و جنوب و غرب ایران توسط قوای تزاری، انگلیس‌ها و عثمانی‌ها، نفوذ واحدهای ویژه نظامی آلمان و حرکت‌چند هزار کیلومتری آن‌ها در بخش اعظم خاك کشور، جنگ ایلات تنگستانی‌و قشقائی‌وبختیاری علیه انگلیس‌ها، پیشتبدن مجلس و مهاجرت عده‌ای از وکلای مجلس و نخست‌وزیرهای سیاسی به‌عثمانی و تشکیل دولت موقت در مهاجرت، پیدایش و گسترش جنبش جنگل، تشکیل حزب کمونیست ایران، تشکیل جمهوری گیلان، قیام خیابانی در تبریز و تشکیل حکومت ملی در آذربایجان، قیام تقی‌خان پسیان در خراسان، انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، کودتای سوم حوت (اسفند) سید ضیاء ــ رضاخان و غیره فهرست غیرکاملی است از حوادث.

متاسفانه تاریخ این سال‌های پرحادثه هنوز به‌حد کافی شکافته نشده است. برخی از مورخین ایران و عده‌ای از اعضای حزب توده‌ایران کوشش‌های ارزشمندی برای شناخت برخی از جواب جنبش‌های جنگل، خیابانی، پسیان و تاریخ حزب کمونیست ایران به‌عمل آورده‌اند، ولی‌هنوز از بررسی کامل، و به‌ویژه جمع‌بندی کل و فراگیر حوادث این سال‌ها در پیوند با حوادث بین‌المللی، راه زیادی داریم.

همانقدر که بررسی علمی تاریخ این سال‌های پرحادثه که امت، جنجال و سمپاشی و افترا و دروغ درباره یکی ــ و فقط یکی ــ از کوشه‌های آن، همه‌جا را پرکرده، وعده‌ای کوشیده‌اند از میان‌همه‌حوادث، فقط جنبش جنگل، و از جنبش جنگل، فقط یکی دوماه آن، و از این یکی‌دوماه نیز فقط این یا آن واقعه را بزرگ کنند و باهزار دروغ و تفتین، این اندیشه را در ذهن توده جوان رسوخ دهند که «کمونیست‌ها به‌میرزا کوچك‌خان جنگلی خیانت کردند»! این‌که چطور شدتمام جنبش‌های انقلابی آنسال‌ها، چه در ایران و چه در سایر کشورها ــ به‌جز انقلاب اکتبر ــ شکست خورد و یا در نیمه‌راه‌ماند، نظر سیاستان و خرابکاران حرفه‌ای را به‌خود جلب نمی‌کند، این‌که در جنبش انقلابی آنسال‌ها، علاوه بر کوچك‌خان، نام‌های درخشان دیگری هم، مانند خیابانی و حیدرعمواوغلی بودند، که باید درباره سرنوشت آنان اندیشید، فکر این افراد را به‌خود مشغول نمی‌سازد. از میان هزاران واقعه تاریخی، فقط یك واقعه دستاویز آن‌هاست: پایان کار جنگل. زیرا این واقعه با نام اتحاد شوروی و جنبش کمونیستی ایران مربوط است، و این ارتباط را باید دگرگونه جلوه داد و گروهی را برای مدتی فریفت.

تحریف تاریخ جنبش‌های انقلابی سال‌های ۱۹۲۱-۱۹۱۷ و دادن سمت ضدکمونیستی به‌آن، مستقیما با موج جهانی ضدکمونیستی سال‌های ۱۹۷۵ ــ ۱۹۶۵ (۱۳۵۵ ــ ۱۳۴۵) مربوط است. پیروزی‌های اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیسم در مقیاس جهانی، فروپاشی‌سیستم‌مستعمراتی امپریالیسم، پیدایش جنبش‌های انقلابی پی‌گیر از نوع جنبش کوبا و الجزایر، پیدایش گرایش‌های نوین و قاطع ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری در جنبش‌هائی مانند جنبش مردم مصر به‌رهبری عبدالناصر و کشش همه این جنبش‌ها به‌سوی سوسیالیسم، محافل امپریالیستی را در این سال‌ها، بیش از پیش به‌وحشت انداخت و آنان را به‌این فکر انداخت که، تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی را تشدید کنند و تا حد ممکن در اتحاد نیروهای مترقی اخلال نمایند. در همین سال‌ها است که گروه مائوئته‌دون از پشت به‌حزب کمونیست چین و سپس جنبش جهانی کمونیستی و اردوگاه سوسیالیسم خنجر زد و جریان سیاسی خیانت‌کارانه‌ای را به‌وجود آورد و کوشید زهر ضد کمونیستی و اخلالگری در وحدت عمل جنبش‌های انقلابی را در زرورق تعبیرات و اصطلاحات مارکسیستی و ادعای «کمونیسم ناب» پنهان کند.

در کشور ما نیز، درست در همین زمان، کندو کاو در تاریخ‌جنبش و کوشش برای دادن سمت ضد کمونیستی به‌آن تشدید شد و یکباره تاریخ جنبش جنگل، پس از قریب نیم‌قرن، در پرتو نوین ضد کمونیستی مطرح گردید. در این نیم‌قرن که از شکست جنبش جنگل ــ و همه جنبش‌های انقلابی آن‌سال‌ها ــ می‌گذشت، انقلابیون ایران فرصت و امکان بررسی علمی آن‌را نیافته بودند و دوستان جنگل نیز جز خاطرات جداگانه‌چیزی درباره این منتشر نکرده بودند. اما در ۱۳۴۴، ابراهیم فخرائی، کتابی درباره جنگل منتشر کرد که از نظر محتوی و مضمون منطبق با هدف و روش محافل ضد کمونیست بود و لذا از جانب آن‌ها با استقبال روبرو شد، و کسانی از نوع شعاعیان، برکتاب کم‌مایهٔ فخرائی حاشیه‌های مفصل‌ازش از متن نوشتند و خرابکاران حرفه‌ای این حواشی را، با جار و جنجال فراوان و به‌مفهایی وسیع، تجدید چاپ و منتشر کردند و از جنبش جنگل دستاویز ضد کمونیستی تمام و کمالی ساختند که هنوز هم تکیه‌گاه بسیاری از خرابکاران است.

کسانی که به‌اهمیت وحدت عمل حزب تودهٔ ایران و مبارزان‌صدیق ضد امپریالیست مذهبی واقفند و از قدرت جبهه متحد خلق می‌ترسند، با تکیه به «تجربه» جنگل، ادعا می‌کنند که این اتحاد نرخواهد گرفت و «کمونیست‌ها» به‌مذهبی ها خنجر خواهند زد. کسانی که به‌اهمیت همبستگی جنبش انقلابی ایران با اتحاد شوروی واقفند و از عمق‌ضد امپریالیستی جنبش در هراسند، با تکیه به «تجربه» جنگل، می‌کوشند تا در این همبستگی اخلال کنند.

این خرابکاران از یاشمو می‌گویند که جناح پی‌گیر مذهبی، مرتجع و خودکامه و ترمز جنبش است، و از سوی دیگر برای همین جناح، در کار اتحاد با کمونیست‌ها، «دلسوزی» می‌کنند. از یکسو می‌گویند حزب تودهٔ ایران اصلاحزب کمونیستی نیست و هرگز نبوده، و از سوی دیگر همه گناهان نکرده کمونیست‌ها را در جنبش جنگل، به‌حساب حزب تودهٔ ایران می‌گذارند! برای این خرابکاران، هیچ چیز مقدسی وجود ندارد. همه‌چیز، حتی وقایع تاریخی، دستاویزی است برای خرابکاری.

اما در ورای تلاش این خرابکاران، بررسی جنبش‌های انقلابی سال‌های جنگ اول جهانی، به‌ویژه سال‌های بلافاصله پس از پیروزی انقلاب کبیر اکتبر، برای جنبش انقلابی کنونی ایران بسیار آموزنده است. از تاریخ این سال‌ها بسیاری چیزها می‌توان آموخت. مامی‌کوشیم در این مختصر، نظری گذرا بوقایع این سال‌ها بیاندازیم.

ادامه دارد

شوراها باید ارگان‌های حاکمیت خلق‌باشند

به‌مثابه یکی از بنیادهای ضرور اجتماعی و یکی از ارگان‌های حاکمیت ملی با حدت بیشتری مطرح گردید و امام‌خمینی، رهبر انقلاب، ضرورت تشکیل آن‌ها را اع

آموزش انقلابی، احکام جامد...

لنینیسم، مجهزیم. این آموزش، عصاره تکامل دانش‌هـای طبیعی و اجتماعی، عصاره تجارب عملی انقلاب‌ها و مبارزات طبقاتی است و از زمان پیدایش خود تا امروز، گسترش و غنائی بی‌سابقه یافته و کاربرد کامیابانه‌اش، در عمل اعجازها پدید آورده و در کار دگرگون‌ساختن جهان کهن است.

ولی بنیادگزاران این آموزش: مارکس، انگلس، لنین و دیگر شاگردان و پیروان مکتب آن‌ها، بارها و بارها، با صد زبان و بیان گفته‌اند که: **آموزش انقلابی دگم‌نیست**، مجموعه‌ای از موازین جامد و شرایع لایتغیر نیست، بلکه **راهنمای عمل است**، اسلوبی است برای اندیشه، برای تحلیل، برای کاربرد، برای اقدام، برای نبرد، برای یافتن شعارهای درست.

انگلس می‌گفت: ما از اصول جامد آغاز نمی‌کنیم تا به‌جنبش‌برسیم، بلکه از جنبش آغاز می‌کنیم و به‌اصول می‌رسیم. معنی این سخن ژرف آنست که ما نمی‌آئیم یك سلسله نقل‌قول‌های خشك را برزندگـی جوشان و رنگین، به‌زور تطبیق دهیم و زندگی را در بستر تنگ این اصـول به‌زور بگنجانیم، بلکه برعکس، از زندگـی و جنبش الهام می‌گیریم، برای آن‌که اصول تفکر انقلابی خود را غنی کنیم. گوته (شاعر بزرگ آلمانی) عبارتی می‌گفت کـه مارکس آن را بسیار می‌پسندید. او می‌گفت: **دوست من! اندیشه خاکستری‌فام است، ولی دین درخت زندگی است که همیشه سرسبز است.** لنین همین اندیشه را، به‌بیان دیگر، افاده می‌نمود. وی می‌گفت: «**زندگی» از «مفهوم» غنی‌تر است.** گرتسن، فیلسوف انقلابی روس می‌گفت: **در درون تصورات و احکام علوم ما هیاهوی زندگی فرومی‌خوابد وخاموش‌می‌شود. برای آن که شما در این خاموشی به‌خواب نروید، دائما باید به‌هیاهـوی جنبش و زندگی بازگردید.**

بررسی واقعیات، آن هم نه واقعیات دلخواه، بلکه همه واقعیات، بیرون کشیدن قانونمندی‌های بزرگ و کوچك از درون این بررسی جامع، کار ساده‌ای نیست. این بررسی باید به‌ویژه از پیشداوری‌هـای مغرضانه عاری باشد. اگر شما بخواهید خواست‌های خود را به‌ضرب گزین کردن «واقعیات» دلبخواه ثابت کنید (و البته حتماً واقعیاتی را که دلبخواه شماست، در این انبوه عظیم واقعیات خواهید یافت) آیا حقیقت را یافته‌اید؟ آیا **واقعیت** را فهمیده‌اید؟ آیا اثبات شما اثبات علمی است؟ آیا گرایش‌های تاریخ را به‌درستی دیده‌اید؟

در اثر اعتلای جنبش انقلابی در ایران، روآوری به‌سوی آموزش مارکسیسـ ـ لنینیسم زیاد شده است. در شهر و دهی نیست که کتب و جزوات مختلف مارکسیستی و شبه مارکسیستی را بررسی نکنند، ولی اشکال در آنست که اسلوب این بررسی علمی نیست. گاه جسته‌گریخته است: از هر چمن گلی، از هر بحث اصطلاحی چند و احیانا به‌قصد جلوه‌گری؛ این آموزش دانش مارکسیسم نیست. انگلس می‌گفت: از زمانی که آموزش انقلابی مارکسیستی به علم بدل شده، آن‌را باید مانند علم در تمام جامعیت آن **آموخت**. مارکسیسم از سه جزء اصلی، فلسفه، اقتصاد و کمونیسم علمی (یعنی بحث در باره مراحل مختلف ایجـاد جامعه نوین بی‌طبقه و کیفیت اجراء این عمل) مرکب است. لااقل باید این سه جزء اصلی را در مهم‌ترین مباحث آن به‌درستی آموخت و سپس اطمینان یافت که تصور جامعی از مارکسیسم در ذهن وجـود دارد.

تازه آموختن تئوری عمومی ابدا و اصلا کافی نیست. لنین بارها یادآور می‌شد که مارکسیسم در شرایط هرکشوری باید به‌مشخصات و قانونمندی‌های ویژه آن‌کشور به‌درستی و به‌شکل علمی انطباق یابد و از این انطباق، تئوری خاص آن‌کشور حاصل شود. این کار به‌معنای انکارعامیت مارکسیسم‌نیست، یعنی شیوه‌ای که سراپاغلط و گمراهی‌آور است. این کار به‌معنای ترکیب عام و خاص، بیرون کشیدن خاص از درون عام است. انطباق و **کاربرد** تئوری عمومی مارکسیستی بر شرایط ویژه هرجامعه و هرکشور است که کاری است بسیار دشوار و برای آن، علاوه بر فقدان پیشداوری‌ها و اغراض ضدعلمی، ورزیدگی و تجربه بسیار ضرور است. همه‌کس دارای قدرت و استعداد دست‌یابی به‌تئوری عام و خاص نهضت و احتجاج درست درآن نیست. نباید مسئله را آسان گرفت و به تئوری‌بافی‌های سطحی و شتاب‌زده دست زد.

اگر این برخورد درست نباشد، آن‌وقت، آن مارکسیسم نیمه‌خام، مارکسیسم «اصطلاحات» خشك و خالی، مارکسیسم سطحی و نارس، به‌جای آن‌که اهرم بزرگ تحرك فکری باشد، به‌ترمز، به‌حجاب مبدل می‌شود. عارفان ما در موارد نظیر می‌گفتند: «اهلم‌حجاب‌الاکبر» و این زمانی است که «دانش» این کار به‌پرده بزرگی بین دیدگان ما و واقعیت بدل می‌شود.

به‌متون مارکسیستی نمی‌توان برخوردی «ملانقطی» داشت و در الفاظ غرق شد و محتوی را ناچیز گرفت، در شیوه بیان و فرمولبندی هائی غرق شد و اصل مطلب را فراموش کرد.

کلاسیك‌های مارکسیسم و پیروان آن‌ها، گاه اندیشه درستی را با **تنوع در الفاظ و فرمولبندی‌ها** بیان کرده‌اند. درهمه‌جا باید توجه ماباید **محتوی** جلب شود. باید دید فلان متن، در چه شرایط تاریخی، در کدام چارچوب موضوعی و چرا نوشته شده؟ نمی‌توان از هر متنی، نقل‌قولی را بیرون کشید و به ضرب این «چماق»، حرفی را به‌کرسی نشاند. روح آموزش انقلابی از چنین شیوه‌های «مدرس» بیزار است! حقیقت از لحاظ زمانی و مکانی مشخص است، لنین می‌گوید: **تحلیل مشخص وضع مشخص ـ اینست اسلوب واقعی بررسی مارکسیستی.**

در دوران کنونی انقلاب ایران، بسیار مهم است که ما درك کنیم که این انقلاب دارای چه خصلتی است؟ چه مراحلی را گذرانده؟ هر مرحله دارای چه قانونمندی‌هائی است؟ چه طبقه‌ای در این مراحل نقش سرکردگی را به‌دست گرفته و چرا؟ ایدئولوژی انقلاب و ضـد انقلاب در لحظه معین چیست؟ دوستان و دشمنانش کیانند؟ آرایش قوای آن‌ها چیست؟ انقلاب از کدام سو تهدید می‌شود؟ برای دفاع از دستاوردها و بسط آتی آن چه باید کرد؟ و غیره و غیره.

اگر ما این مسائل را حل نکنیم و در رویدادهای غیرعمده و گذرای روزانه غوطه‌زنیم و گرایش‌های رشد را نبینیم و افق تاریخی نداشته باشیم و آموزش انقلابی را با نرمش برپراتیك انطباق ندهیم، دچار دگماتیسم (یا جزم‌گرائی) و سکتاریسم (یا سلك‌گرائی) خواهیم شد و علی‌رغم نیت پاك و احساس‌صادقانه خود، به‌جای خدمت به‌انقلاب، به‌آن ضربت خواهیم زد. نیت پاك شرط لازم است، ولی شرط کافی نیست. شرط کافی، اندیشه و عمل درست است. ای چه‌بسا افـراد عدالت‌دوست و صدیق و شجاع که به‌علت پیروی از روش‌ها و شعارهای نادرست، گاه علی‌رغم خود، به‌دشمنان عدالت و حقیقت سود رساندند.

آری، همچنان که در آغاز این مقال گفتیم، بسیار مهم است که ما به **اسلوب درست** در اندیشه و عمل انقلابی مجهز گردیم، نه‌فقط مهم است، حیاتی است. باید آن را فرا گرفت.

یکربع قرن پس از شهادت...

گرفتند و پیمان بستند که راه درخشان این توده‌ای‌ها را ادامه دهند و از نمونه زندگی و نبرد آن‌ها برای خدمت به‌امر استقلال و آزادی و به‌توده محروم کشور الهام گیرند.

پس از آن‌که مراسم پایان یافت، لحظات پرشور دیگری در انتظار بود. همگی برای تجدید خاطره و تجلیل از کلیه شهدای وطن برسر مزار شهدا رفتند و آرامگاه آنان را نیز گلباران نمودند. مراسم با نظم و ترتیب خاص و با شور و هیجان چشمگیری انجام شد.

برای شرکت در این مراسم، رفقا، دوستان و آشنایان ۵ تن شهید و دهها تن زخمی جریان به‌کلوله‌بستن زندانیان سیاسی رشت، و هم‌چنین هم‌بندهای آنان از شهرهای مختلف کشور، به‌رشت آمده بودند. علاوه‌براین بنا به‌دعوت کمیته ایالتی حزب در گیلان و خانواده‌های شهیدان، هزاران نفر از مردم سراسر گیلان برای ادای احترام، درگورستان تازه‌آباد رشت گرد آمده‌بودند.

در خاطره حضار لحظاتی زنده شد که شاه خائن، پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد، همه سازمان‌های ملی و مترقی را تعطیل کرد و با گلوله، شکنجه و زندان قصدداشت سلطنت خود را در ایران جاودانی کند و لبه تیز حمله خود را نیز، مانند همیـشه، متوجه‌ا کاه‌ترین گردان‌نیروهای انقلابی ـ حزب‌توده‌ایران ـ قرارداده بود. درآن‌روزها تنها در زندان رشت ۴۰۰ نفر زندانی سیاسی از بین توده‌ای‌ها دستگیر شده‌بودند. عوامل رژیم شاه مخلوع، همان‌ها که چند سال بعد، هسته اکیپ‌های کشت‌وبازجوئی و شکنجه را تشکیل دادند، در نیمه‌شب ۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۳، پس از چند روز تحریك و توطئه و بهانه‌سازی، به‌خانه بازندان ریختند و زندانیان را زیر رگبار گلوله مسلسل‌های خود گرفتند. آن‌ها دستور داشتند افراد معینی را حتما به‌قتل رسانند، ولی در مستی خون‌آشام خود، ده‌ها نفر دیگر را نیز مجروح کردند. یکی از صحنه‌های قهرمانی فراموش نشدنی، توده‌ای‌ها در زندان رشت، هنگامی آفریده شد که صدها زندانی، برای دفاع از جـان مسئولان حزبی، خود را به‌روی آنان می‌انداختند تا از اصابت گلوله به‌رفقاجلوگیری کنند.

یکی از این رفقا محمدتقی اقدام‌دوست بود، که در تاریخ ۱۳۰۴ درفومن متولد شده و رهبری تشکیلات حزبی این منطقه را به‌عهده داشت. وی در دادگاهی که در سالن شهرداری رشت تشکیل شده بود، گفته‌بود: «حزب توده ایران پنگانه حامی و پشتیبان ما طبقه زحمتکش و محروم است و من افتخار می‌کنم که عضو آن هستم». هنگامی که وکیل مدافع خواست جوانی او را بهانه دفاع قرار دهد، اقدام‌دوست اعتراض کرد و گفت: «من با علم و اطلاع کامل عضویت حزب برافتخار توده ایران را قبول کردم و هیچ‌گونه ندامتی ندارم و تا هنگام‌دارم از حزبم دفاع خواهم نمود.» در آن‌موقع او به‌ده سال زندان محکوم شد.

در زندان سیاسی رشت، او و چهار هم‌رزم او را در حالی‌که فریاد می‌زدند: زنده‌باد حزب توده ایران، ملت پیروز است، پیروزباد... به‌شهادت رساندند.

غرش مسلسل‌ها پیکر دلیر توده‌ای‌های مقاوم را درو می‌کرد، غافل از آنکه هرگز حتی پس از ۲۵ سال خفقان و ترور ـ این صدا نه‌تنها خاموش نخواهد شد، بلکه بس نیرومندتر، آگاه‌تر و آبدیده‌تر در فضای میهن آزاد ما به‌طنین خواهد آمد.

مراسم بزرگداشت شهادت ۵ رفیق توده‌ای در زندان رشت، گواه تازه‌ای براین واقعیت و ادامه راه حزب توده ایران و دفاع از دستاوردهای بزرگ انقلاب ایران و رهبری قاطع آن بود.

به‌این مناسبت گروهی از هواداران حزب توده ایران در شهرستان فومن ـ زادگاه رفیق اقدام دوست ـ ابتکار تهیه و پخش جزوه‌ای را به‌دست گرفتند، که در آن اسناد امپریالیسم زخم خورده و دست‌نشاندگان داخلیش با منحرف کردن مبـارزه ضـد امپریالیستی، سلطه خود را بمشکلها وشیوه های متناوت مجددا اعمال کند، بمزعم ما، مبرم‌ترین وظیفه هر انقلابی پاکباز، در هرشرایطی، حفظ دستاوردهای انقلاب است. این وظیفه را می‌توان در استمرار و حفظ حرکت دائمی جنبش بهست جلو خلاصه کرد.»

و در جای دیگر گفت: «برای تاکید این‌که مبارزه ما یك زخم‌برپیکرامپریالیسم بود و این زخم اگر هر آن عمیق‌تر نشود، ناچار ترمیم خواهد شد، علیه امریکای خونخوار شعار خواهیم داد...» و جمعیت فریاد زد:

امریکا، اسرائیل، دشمنان خلق!!

و جای دیگر اضافه کرد: «برای این که چهره‌های مبارزه خود را دقیق‌تـر مشخص کنیم و از دشمن خارجی، کـه امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امریکاست، غافل نشویم و ارتجاع داخلی را ازیاد نبریم، همگی خواهیم گفت:

مرگ بر ارتجاع دشمن هر انقلاب!»

و جمعیت با غریو خود، آن را تکـرار کرد.

سازمان‌های مختلف سیاسی که به‌دعوت سازمان آزادی‌بخش فلسطین پاسخ گفته و در اجتماع عظیم همبستگی شرکت کرده بودند، پلاکات‌ها و شعارهای پارچه نویسی شده خود را به‌محوطه میتینگ می‌زدند و در خارج آن در محل‌های مختلف قرارداده یا نصب می‌نمودند.

از جمله حزب توده ایران، که همواره از نبرد قهرمانانه خلق برادر فلسطـین پشتیبانی نموده است با شرکت در میتینگ و نصب پلاکات‌های زیرین در این مراسم حاضر بود:

ـ حزب توده ایران...

ـ حزب تودهٔ ایران از پیکار خـلق قهرمان فلسطین بر ضد امپریالیسـم و صهیونیسم پشتیبانـی می‌کند.

ـ حزب تودهٔ ایران پیکار خلق‌قهرمان فلسطین را برای تعیین سرنوشت خویش عادلانه می‌داند.

ـ حزب تودهٔ ایران توطئه مشتـرك امریکا، اسرائیل و رژیم سادات را برضد خلق قهرمان فلسطین محکوم می‌کند.

ـ حزب توده ایران خواهان کمـك همه‌جانبه مادی و معنوی از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران به‌خلق قهرمـان فلسطین است

ـ زنده‌باد دوستی و همبستگی حزب تودهٔ ایران با سازمان آزادی‌بخش فلسطین

ـ حزب توده ایران سیاست امام‌خمینی رهبر انقلاب ایران را در پشتیبانی ازخلق قهرمان فلسطین تایید می‌کند

اضافه می‌کنیم که در شهر مشهد نیـز برنامه‌ای شامل سخنرانی‌وراه‌پیمائی به‌همین مناسبت و در همبستگی با خلق فلسطین ترتیب‌یافت، که درآن‌ضمناسازمان‌جوانان و دانشجویان دمکرات ایـران (تنکیـلات خراسان) و کلیه هواداران و دوستان آن شرکت داشتند.

پیروز است نهضت فلسطین...

می‌کند یك ملت دائما تحت آزار و اذیت باشد و ناله کند.»

آیت‌الله طالقانی در دنباله سخنان خود افزود: «مانند ملت‌ایران‌که به‌حساب‌فرعون خود رسید، ملت مصر هرچه زودتر به‌حساب رژیم خود برسد... ما با تمام قوای خود و به‌قدر امکان برای مردم فلسطین وهر مستضعف دیگر دست کمك دراز می‌کنیم. اول مستضعین ایران، مستضعفین عرب، مستضعفین اسلام، که حکومت‌ها بدون حق به‌آن‌ها حکومت دارند.» آیت‌الله طالقانی‌با این شعارها به‌سخنان خود پایان داد:

پیروز است نهضت فلسطین و ایران!
پیروز است نهضت‌های مستضعفین‌دنیا!

برادر حلیم، از طرف انقلاب فلسطین، در نطق خود گفت: «آن‌ها تنها سرزمین ما را اشغال نکردند، بلکه سعی در اشغال حیثیت ملی ما نمودند.» پس از شرح‌مبارزه خلق قهرمان فلسطین، وی‌گفت: «مادرگیر جنگی در مقابله با نعره‌های کین‌توزانه و تحریك‌آمیز کارتر و برژینسکی هستیم و با ماشین جنگی و وحشی صهیونیست‌ها می‌جنگیم. ما با مزدوران جبهه دست‌راستی های لبنان درگیر جنگ هستیم... اما من به‌اسم شهدای انقلابمان و به‌اسم تمام‌مبارزین آزاده و شریف دنیا اعلام می‌کنم کـه انقلاب ما ادامه دارد و توطئه‌ها را نابود کرده و پیروزی را به‌دست می‌آورد.»

درجریان میتینگ، مردم علیه امریکا و صهیونیسم شعار می‌دادند ومی‌گفتند.

«انقلاب پیروز است، ارتجاع‌نابودباد!»
«امریکا، اسرائیل، دشمنان خلق»!

گوینده از پشت میکرفون، در خـلال سخنرانی‌ها، از جمله می‌گفت: «خلق‌قهرمان ایران هرگز اجازه نخواهد داد کـه امپریالیسم زخم خورده و دست‌نشاندگان داخلیش با منحرف کردن مبـارزه ضـد امپریالیستی، سلطه خود را بمشکلها وشیوه های متناوت مجددا اعمال کند، بمزعم ما، مبرم‌ترین وظیفه هر انقلابی پاکباز، در هرشرایطی، حفظ دستاوردهای انقلاب است. این وظیفه را می‌توان در استمرار و حفظ حرکت دائمی جنبش بهست جلو خلاصه کرد.»

و در جای دیگر گفت: «برای تاکید این‌که مبارزه ما یك زخم‌برپیکرامپریالیسم بود و این زخم اگر هر آن عمیق‌تر نشود، ناچار ترمیم خواهد شد، علیه امریکای خونخوار شعار خواهیم داد...» و جمعیت فریاد زد:

امریکا، اسرائیل، دشمنان خلق!!

و جای دیگر اضافه کرد: «برای این که چهره‌های مبارزه خود را دقیق‌تـر مشخص کنیم و از دشمن خارجی، کـه امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امریکاست، غافل نشویم و ارتجاع داخلی را ازیاد نبریم، همگی خواهیم گفت:

مرگ بر ارتجاع دشمن هر انقلاب!»

و جمعیت با غریو خود، آن را تکـرار کرد.

سازمان‌های مختلف سیاسی که به‌دعوت سازمان آزادی‌بخش فلسطین پاسخ گفته و در اجتماع عظیم همبستگی شرکت کرده بودند، پلاکات‌ها و شعارهای پارچه نویسی شده خود را به‌محوطه میتینگ می‌زدند و در خارج آن در محل‌های مختلف قرارداده یا نصب می‌نمودند.

از جمله حزب توده ایران، که همواره از نبرد قهرمانانه خلق برادر فلسطـین پشتیبانی نموده است با شرکت در میتینگ و نصب پلاکات‌های زیرین در این مراسم حاضر بود:

ـ حزب توده ایران...

ـ حزب تودهٔ ایران از پیکار خـلق قهرمان فلسطین بر ضد امپریالیسـم و صهیونیسم پشتیبانـی می‌کند.

ـ حزب تودهٔ ایران پیکار خلق‌قهرمان فلسطین را برای تعیین سرنوشت خویش عادلانه می‌داند.

ـ حزب تودهٔ ایران توطئه مشتـرك امریکا، اسرائیل و رژیم سادات را برضد خلق قهرمان فلسطین محکوم می‌کند.

ـ حزب توده ایران خواهان کمـك همه‌جانبه مادی و معنوی از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران به‌خلق قهرمـان فلسطین است

ـ زنده‌باد دوستی و همبستگی حزب تودهٔ ایران با سازمان آزادی‌بخش فلسطین

ـ حزب توده ایران سیاست امام‌خمینی رهبر انقلاب ایران را در پشتیبانی ازخلق قهرمان فلسطین تایید می‌کند

اضافه می‌کنیم که در شهر مشهد نیـز برنامه‌ای شامل سخنرانی‌وراه‌پیمائی به‌همین مناسبت و در همبستگی با خلق فلسطین ترتیب‌یافت، که درآن‌ضمناسازمان‌جوانان و دانشجویان دمکرات ایـران (تنکیـلات خراسان) و کلیه هواداران و دوستان آن شرکت داشتند.

از کمك شما سپاسگزاریم

آقای سید جواد هاشمی	۱۰۰۰ ریال
آقای امین	۱۰۰۰ ریال
گروه «افراشته» از برلن غربی	۱۵۰۰۰ ریال
دوست کارگر «س.م.۱۷.۰» از بندرعباس	۲۰۰۰ ریال

از دوست کوچك ۹ ساله فیروزه که مبلغ ۵۰۰۰ ریال پس‌انداز خود را به‌حزب کمك کرده است، صمیمانه سپاسگزاریم.

آنتی کمونیسم به‌سود کیست؟...

بدین ترتیب اذهان را از توجه به‌مسائل مبرم انقلاب بازدارند و زمینه برای‌اقدامات تضییقی فراهم کنند، که مالا بسود ضـد انقلاب است.

هرگونه گرایش بسوی انتی‌کمونیسم، قطع نظر از شکل بروز آن ـ چه بشکل ناسزاگوئی ارتجاعی و چه بصورت چپ‌نما ـ به‌مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیك خلق‌های ایران لطمات جدی وارد می‌سازد. عمال امپریالیسم شکست‌خورده و بقایای ارتجاع داخلی می‌کوشند با علم‌کردن‌لولوی «خطر کمونیستی»، توجه توده‌ها راازمبارزه علیه خطر واقعی یعنی امپریالیسم وارتجاع داخلی منحرف سازند، در جبهه وحدت ملی تخم نفاق و سوءظن بپاشند، قشرهائی از اهالی را علیه قشرهای دیگر برانگیزند و بدین‌سان بوحدت درونی خلـق و همبستگی بین‌المللی آن لطمه بزنند، تاشاید از ایثراء بتوانند بار دیگر کشور مـارا بـدام چهان‌خواران امپریالیستی بکشانند. لـذا آنتی کمونیسم تنها بسود دشمنان قـسم خورده‌ی خلق ماست.

اخبار کارگری

نخستین انتخابات سندیکائی استان مازندران

۲۲۵ تن ازکارگران صنعت نفت منطقه دو مازندران ـ قائم‌شهر و ساری ـ در انتخابات سندیکائی خود، اعضای هیئت رئیسه و بازرسان شورای‌داوری را برگزیدند. در این انتخابات، که در کانتین شرکت نفت قائم‌شهر برگزار شد، مدیر کل امورکار و اجتماعی استان مازندران، مسئولان فنی و ناظران اداره کار و نمایندگان کمیته انقلاب اسلامی قائم‌شهر حضـور داشتند. ۱۵ تن ازکارگران به‌عنوان اعضای هیئت رئیسه و بازرسان شورای داوری، برای مدت دوسال، از طرف کارگران انتخاب شدند. این انتخابات در واقع نخستین انتخابات سندیکائی کارگری استان مازندران بود، که به‌عنوان آغاز فعالیت‌های کارگری و سندیکائی این استان، تلقی شد.

اعتصاب کارگران شیلات انزلی

۵۰۰ نفر از کارگران شیلات بندر انزلی، روز یکشنبه ۲۴ اردیبهشت، دست ازکارکشیدند و در محوطه شیلات متحصن شدند.

کارگران خواستار اخراج دکتر حسین عمادی و غلامرضا تاجیك، دو عضو هیئت مدیـره، بهرام نی‌زاده، مهندس قردشاخانی، مهندس کشاورز مدیرکل شیلات شمال، منوچهر امیرافخاری و نوری قیصردهی، روسای قسمت‌های مختلف شیلات و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل بودند.

فرماندار انزلی با کارگران اعتصابی ملاقات کرد و بعد از مذاکره سرانجام قرار شد مدیرعامل شیلات ایران برای رسیدگی به خواست‌های کارگران به‌بندر انزلی برود. با این توافق، کارگران به سر کار خـود برگشتند.

خواست کارگران بیکار شرکت محك

گروهی ازکارگران شرکت محك خواهان پرداخت حقوق ۵ ماه دوران بیکاری خود شدند. این کارگران با مراجعه به نخست‌وزیری اعلام کردند: «مدت‌ها است بلاتکلیف در خیابان‌ها پرسه می‌زنیم و حتی هزینه بازگشت به ولایت خود را نیز نداریم.» گروه کارگران بیکار شرکت محك گفتند که از حدود ۵ ماه پیش، توسط کارفرما اخراج شده‌اند.

شرکت محك در اجرای برنامه ساختمانی پایگاه هوائی در چابهار فعالیت می‌کرد و پس از توقف این برنامه، کارگران خود را اخراج کرد. در حدود ۶۰۰ نفر از کارگران شرکت سه ماه حقوق بیکاری خود را گرفتند، اما بقیه کارگران وجهی دریافت نکرده‌اند.

موافقت با خواست کارگران بیکار سلماس

۲۵۰تن ازکارگران و دیپلمه‌های بیکار شهرستان سلماس، با خواست دریافت وام بیکاری، در محل اداره کار و امور اجتماعی این شهر متحصن شدند. خواست تحصن‌کنندگان، پس از ۳ روز، مورد موافقت اداره کار و امور اجتماعی قرار گرفت و مقرر شد از اول خرداد ماه به‌کارگرانی که دفترچه بیمه دارند، وام بیکاری پرداخت شود. بـا این توافق تحصن پایان یافت.

اجتماع رانندگان در استانداری گیلان

گروهی از رانندگان اتوبوس، به‌عنوان اعتراض به‌نحوه برنامه و سرویس کار خود، در مسیر تهران ـ رشت، در محل استانداری گیلان اجتماع کردند. رانندگان معترض اظهار داشتند کـه مسئولان شرکت مسافری در تنظیم برنامه‌های سرویس کار بهیچ‌وجه رعایت عدالت را نمی‌کنند و برای برخی مشکلاتی به‌وجود می‌آورند و تبعیض‌هائی اعمال می‌کنند. رانندگان خواستار رسیدگی فوری به‌مشکلات خود شدند.

خواست‌های کارگران اخراجی کنسرسیوم دی پارك وی

کارگران اخراجی کنسرسیوم «دی پارك وی»، ضمن پیامی خطاب به‌همه نیروهای انقلابی نوشته‌اند:

«ما کارگران شرکت دی‌پارك‌وی در اعتصابات به‌حق خلقمان مجدانه و پی‌گیر شرکت جسته و به‌ندای رهبر عالی‌قدر خود لبیك گفتیم و دوش به‌دوش همـنگران رنجدیده خود در مسیر مبارزاتی میهن عزیزمان حرکت کردیم، ولی مسئولین این شرکت... بدون هیچ‌گونه حقوق و مزایا ما کارگران را با اوج‌گیری مبارزات خلق گروه گروه از کار اخـراج کردند و هراعتراضی را با ضرب و شتم جواب می‌دادند. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند خلقمان و با جمع شدن ما کارگران برای احقاق حق خود، مسئولان شرکت سعی در فریب کارگران ناآگاه کردند و تعدادی از ما کارگران، که دچار فقر شدید مالی در اثر اعتصابات شده بودند و از وعده‌های سرخرمن شرکت سرخورده بودند، راضی شدند که مقدارناچیزی از حقوق خود را دریافت و سندی را امضا کنند، مبنی براین که به‌طور کامل تمام حقوق و مزایای خود را دریافت کرده‌اند، و سپس برا کنده شدند و بقیه کارگران به‌امید این که ادارات دولتی بعد از انقلاب می‌توانند حقوق لگدکوب شده ما را از حلقوم این کاربدستان ستم‌گر و کارگرکش درآورند، به‌اداره کار و امور اجتماعی مراجعه کردند، ولی در حدود ۲ ماه است که هنوز از طریق این اداره هیچ اقدام جدی صورت نگرفته است.»

در پیام خاطرنشان شده است که کارگران از همه نیروهای مترقی و انقلابی خواستار پشتیبانی بی‌دریغ و صادقانه هستند و خواست‌های خـود را بدین شرح اعلام داشته‌اند:

۱. پرداخت کلیه حقوق عقب‌افتاده.
۲. رعایت حقوق بازخریدی.
۳. پرداخت حقوق مرخصی استحقاقی، که هیچ‌یك ازکارگران از آن استفاده نکرده‌اند.
۴. پرداخت عیدی سالانه کارگران.
۵. پرداخت حقوق جمعه‌ها و تعطیلات».

گرفتاری‌های کارگران راه‌آهن

یونس گانیسی یکی از کارگران راه‌آهن شهرستان قم می‌نویسد: «اینجانب از گرفتاری‌های خودم و چهل تن زحمتکش دیگر که به‌همین گرفتاری دچارند برای دوست حقیقی و یار صمیمی خودم روزنامه «مردم» دردل می‌کنم. ظلم و ستم و بی‌عدالتی، که در طول ۳۵ سال کار در این موسسه در حق ما زحمتکشان روا داشته‌اند، باندازه‌ای دردآور است که باورش شاید غیرممکن باشد. هریك از ما کارگران بیش از ۳۳ سال سابقه کار در راه‌آهن داریم و در تمام این مدت حقوق روزانه ما از ۳۵ تومان تجاوز نکرد، تا این که در اول آبان سال ۱۳۵۷ از کار اخراج شدیم و اکنون بیش از ۷ ـ ۸ ماه هست که حقوق‌نگرفته‌ایم. رفقای کارگر قضاوت کنند: اولا با سی‌تومان حقوق، زندگی برای ما و خانواده‌مان چه صورتی داشته و فعلا که هشت ماه است از همان حقوق اندك نیز محروم شده‌ایم، زندگی ما چه صورتی دارد؟».

این کارگر سپس می‌نویسد که کارگران به‌مقامات مسئول مراجعـه کرده‌اند، ولی مراجعات آن‌ها بی‌نتیجه مانده است.

اخبار دهقانی

*دهقانان نوشیروان کلا (بابل) تامین جانی ندارند

اربابان با سوء استفاده از عدم قاطعیت برخی مقامات اجرائی، دست‌درازی به‌سوی زمین‌های دهقانان دراز کرده‌اند. طبق خبر واصله، در روستای نوشیروان کلای بابل، مالکان بر زمین‌های کشاورزی، که آن‌ها را آماده نشاکاری کرده‌بودند چنگ‌انداخته و با توسل به‌زورگوئی و اجیر کردن مزدوران، دهقانان را زیر فشار قرار داده و حتی تامین جانی را از آنان سلب کرده‌اند.

و به‌همین علت عده‌ای از این کشاورزان، همراه با زن و فرزندان خویش، در سالن فرماندداری بابل تحصن اختیار کرده می‌طلبند که دست اربابان زورگو قطع و زمین به‌دهقانان بازگردانده شود و امنیت جانی در روستای نوشیروان کلا تامین گردد.

*دهقانان نعله‌شکن (سنندج) آواره‌اند

ارعاب زمین‌داران بزرگ و اعمال فشار بردهقانان و غصب زمین‌های آنان متاسفانه دامنه وسیع‌تری به‌خود میگیرد. روستائیان نعله‌شکن بخش دیواندره سنندج، مدتی‌است به‌همین علت ناچار به‌ترك روستا و کشت و کار خود شده‌اند و از ترس تفنگ‌داران مالکان سابق جرات بازگشت به‌خانه و زمین خود را ندارند. خبرنگاران جراید از محل اطلاع می‌دهند که تکذیب رادیو تلویزیون سنندج درست نیست و به‌تن از اعضای شورای شهر سنندج نیز از مطالبی که از قول سخنگوی شورا نقل شده، اظهار بی‌اطلاعی کردند.

روستائیان رانده شده از روستای نعله‌شکن دیواندره در شهـر سرگردانند و افراد خانواده‌هایشان در محل در معرض تهدید و خطر قرار دارند و پول و آذوقه هم ندارند.

کوتاه‌کردن دست زمین‌داران بزرگ و زورگو مطالبه اصلی این روستائیان آواره از زمین و کشت است.

*دهقانان فوتم(مازندران) زمین‌های غصب شده‌خود را می‌خواهند

حدود ۱۵۵ تن از کشاورزان‌روستای‌فوتم،واقع‌در‌تردیکی کیاکلا، (مازندران) روز بیستم اردیبهشت‌ماه، در برابر فرمانداری قائم شهر (شاهی سابق) اجتماع کرده حق خود را می‌طلبیدند. آن‌ها زمین‌هائی را که ۲۵ سال پیش غلامرضا پهلوی، برادر شاه مخلوع، به‌زور از دهقانان گرفته و به‌عمال خود نظیر جهانیان داده، طلب می‌کردند. این اراضی حدود ۱۲۵ هکتار است و در روستاهای سیدمحله ـ دیین‌سر ـ کله‌بن واقع است. قبلا حق طلبی و مبارزه دهقانان علیه زمین‌خواری برادرشاه منجر به‌آن شد که یکدفعه ۹ نفر و دفعه بعد ۸ نفر از دهقانان رابه‌زندان انداختند. حتی یك‌بار دهقانی بنام حاجی همت را با تراکتور زیرگرفتند. حالا عمال غلامرضا پهلوی، زمین‌ها را به‌شخص دیگری به‌نام رحیم‌ایزدی فروخته و این شخص نیز ۲۵ نفر چماقدار برای حمله به‌روستائیان اجیر نموده و بساط زورگوئی و حق‌کشی بپا انداخته است.

زمین مال دهقانان است، که روی آن‌ها کار می‌کنند. همه اخبار واصله بار دیگر ضرورت توجه سریع به‌وضع مالکیت اراضی و کوتـاه کردن دست زمین‌داران و اجرای اصلاحات ارضی قاطع و بنیادی را تائید می‌کند.

*دهقانان قریه اسطنج‌جان، رحمت‌آباد، حومهٔ شهرستان رودبار زیتون چه می‌خواهند؟

ـ بخشودن کلیه دیون به‌دولت، زیرا دهقانان در وضع بسیار بد اقتصادی هستند و قـادر به‌پرداخت این وجوه نیستند ـ مبـارزه با کرم ساقه‌خوار برنج ـ تحویل کود ـ ساختمان حمام، جاده، مدرسه ـ خرید محصولات به‌قیمت مناسب ـ برق‌رسانی ولوله‌کشی آب.

این خواست‌ها، در نامه‌ای که رونوشت آن به«مردم» رسیده، بیان شده و در زیر آن، بیست اثر انگشت و چندین امضا از نمایندگـان دهقانان دیده می‌شود آنان می‌نویسند: رژیم منفور پهلوی موقعیت نامناسبی را برای ما فراهم آورده بود که قادر به‌کشاورزی نبودیم. حال که به‌پیروزی [illegible] رسیده‌ایم، ما دهقانان قریه مذکور به‌هم می‌خواهیم در [illegible] های عالی انقلاب اسلامی کوشش نمائیم، تا به‌اقتصاد ضعیف [illegible] روستامانی دهیم و این مستلزم همکاری بی‌وقفه دولت با دهقانان است.

***

توضیح ـ در «مردم» مورخ ۱۹ اردیبهشت،دربخش «اخبارروستائی» نام روستای «زیولا»ی شیرگاه اشتباها «زبیلا» چاپ شده‌است، بدین‌وسیله تصحیح می‌شود.

میزان حداقل مزد کارگر...

اخیرا وزارت‌کار، برای پاسخ به‌این خواست کارگران، گروهی از کارشناسان را مامور محاسبه حداقل زندگی خانواده سالم، که بخش‌های گوناگون آن حداقل هماهنگی را باهم داشته باشند، به‌هیچ‌وجه حوجه کمبود کالا و تشدید تورم نمی‌شود، بلکه برعکس، چنانچه این اقدام کامـلا ضروری برپایه برنامه‌ریزی علمی انجـام گیرد و با تخصیص اعتبار لازم برای‌توسعه صنای

درکنگره حزب کمونیست فرانسه...

نظام فاسد و پوسیده سلطنتی، در راه ریشه‌کن‌کردن تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیست‌ها و در درجه اول امپریالیست‌های امریکائی و صهیونیست‌ها، در راه تامین کامل آزادی‌ها و ارزش‌های انسانی برای همه مردم محروم، در راه به‌کار انداختن ثروت‌های بی‌کران ملی برای پیشرفت اجتماعی و بهبود محسوس زندگی‌محرومان جامعه با سرعتی بی‌نظیر گسترش یافت. ما در تمام این مدت شاهد همبستگی طبقه کارگر فرانسه و ابراز علاقه خلق زحمتکش و ترقی‌خواهان فرانسوی بوده‌ایم. در همین کنگره نیز بازتاب این همبستگی را با درخشش بسیار در گزارش تحلیلی رفیق ژرژ مارشه شنیدیم.»

«اکنون که تنها سه ماه از پیروزی انقلاب می‌گذرد ومامی‌بینیم که به‌دنبال نابودی یکی از مطمئن‌ترین پایگاه‌های امپریالیسم امریکا در خاورمیانه و نزدیك و خروج ایران از پیمان سنتو و اخراج بخش عمده مستشاران نظامی و غیرنظامی امپریالیستی و طرد کنسرسیوم عارت‌گر نفت و جانبداری از نهضت خلق قهرمان فلسطین علیه صهیونیسم، تغییر جدی در توازن و آرایش نیروها در منطقه به‌سود خلق‌ها و علیه‌امپریالیسم به‌وجود آمده و به‌دنبال سرنگونی سلطنت و اعلام جمهوری و انجام پیروزمند رفراندوم و انحلال ساواك و کسب آزادی‌های معین مدنی و دمکراتیك و اعلام آمادگی برای شناختن حقوق خلق‌ها در درون کشور و مجازات به‌حق و قاطع بسیاری از جانیان و خائنین، در صحنه داخلی نیز تحولات کیفی دوران‌سازی روی داده است. افق آینده ــ اگر همه نیروهای ترقی‌خواه اعم از مذهبی و غیرمذهبی، وحدت خود را در نبرد ضد امپریالیستی حفظ کنند و تعالی بخشند ــ روشن است.

پس عجب، نیست اگر شما می‌بینید که نیروهای ضدانقلاب در خارج و داخل کشور ما فعالیت خرابکارانه خود را گسترش می‌دهند و وسایل ارتباط‌جمعی غرب این همه سر و صدا علیه رژیم جدید به‌راه می‌اندازند و به‌بهانه‌های ساختگی دفاع از تمدن و حقوق بشر، تدابیر انقلابی عمده را تخطئه می‌کنند و می‌کوشند اذهان عمومی کشورهای دیگر را مشوب سازند و تصویری هولناك از واقعیات کشور ما در افکار بیافرینند. هم‌اکنون نیروهای جهانی دشمن انقلاب ایران، یعنی محافل امپریالیستی غرب و به‌ویژه امپریالیست‌های امریکائی و صهیونیست‌ها، همه نیروی جهنمی خود را در جهان به‌کار انداخته‌اند تا جو ناصاعد تبلیغاتی علیه انقلاب ایران به‌وجود آورند. جاسوسان امپریالیسم در ایران، با همکاری با جنایت‌کاران ساواك و پشتیبانی همه‌جانبه محافل وابسته به‌امپریالیسم در ایران، هر روز فعالیت خود را برای ایجاد بحران‌های گوناگون و خراب‌کاری در راه عادی‌کردن و تجدید سازمان زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اداری و فرهنگی کشور و ناراضی ساختن و ترساندن از انقلاب کشرش می‌دهند و در این راه از هیچ جنایتی و هیچ بهانه‌تراشی برای برادرکشی میان خلق‌ها و ترور و آدمکشی ماجراران انقلابی رویگردان نیستند. در این‌میان گروه‌های تفرقه‌افکن، گاه با رنگ قشری مذهبی و گاه زیر شعارهای ماوراء چپ انقلابی‌نما، خدمت‌گذار ضدانقلاب‌اند و در راه نزدیکی‌نیروهای راستین انقلاب سنگ می‌اندازند. تضعیف و تفرقه نیروهای انقلابی هدف آن‌ها است. در حالی که راه درست، اتحاد نیروهای مختلف ترقی‌خواه و میهنی اعم از مذهبی و غیرمذهبی است که می‌توانند و باید در راه هدف‌های دمکراتیك و ضدامپریالیستی، وحدت استراتژیك خویش را برای تعمیق دستاوردهای انقلاب، هرچه بیشتر و مستحکم‌تر و درازمدت‌تر برقرار نمایند. به‌عقیده حزب ما، این نیروهای انقلابی، کارگران و دهقانان و روشنفکران و خرده‌بورژوازی شهری و بخش ملی و میهن‌پرست سرمایه‌داری ایران، یعنی به‌طور عمده سرمایه‌داران کوچك و متوسط را دربرمی‌گیرد.»

رفیق **علی خاوری** آنگاه سیاست حزب ما را که در اسناد حزبی نیز ممکس است، به‌اطلاع رسانید و در پایان گفت:

«رفقای ارجمند، حزب تودهٔ ایران اکنون فعالیت علنی و آزاد خود را، پس از سی‌سال مبارزه دشوار مخفی، از نواعاز کرده است. در این مدت حزب ما قربانی‌های فراوان داده، بسیاری از اعضای حزب ما سال‌های متمادی در زندان‌های شاه مخلوع به‌سربرده و متحمل شکنجه‌های بسیار شده و همواره از ارمان‌های والای کمونیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و منافع زحمتکشان ایران و میهن خود با سربلندی دفاع کرده و پرچم حزب توده‌ای خویش را برافراشته نگاهداشته‌اند. ما اکنون با کار بزرگ و دشوار، فعالیت در شرایط جدید و احراز جای شایسته خویش در جامعه ایران روبرو هستیم. حزب توده ایران با بهره‌برداری از تجربیات گرانبهای نزدیك به چهل سال مبارزه پی‌گیر و آشتی‌ناپذیر خود در راه استقلال ملی، دمکراسی، پیشرفت اجتماعی و بهبود زندگی زحمتکشان و با آموزش از تجربه ده‌ها و ده‌ها جنبش انقلابی پیروزمند و ناکام در سراسر جهان، با احساس سنگین‌ترین مسئولیت تاریخی، در راه تحقق آرمان‌های راستین انقلاب روی آورده و برنامه مشخص خویش را برای اتحاد عمل کلیه نیروها و تشکیل یك جبهه واحد خلق ــ که در شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی خویش تدوین نموده ــ عرضه داشته‌است.»

صلمین زادروز دکتر مصدق...

در جهت خارجی مورد غضب انحصارات بزرگ و پادشاهان بی‌تاج و تخت نفتی واقع گردید، که یکی از ارکان عمده تصمیم‌گیرنده قدرت های امپریالیستی را تشکیل می‌دهند. در آن زمان کار به‌جائی رسید که به‌موجب درخواست ایزنهاور، قانون ضدنراست امریکا «موفقا» موقوف‌الاجراء ماند، تا زمینه تصرف منابع نفتی ایران به‌دست نفت‌خواران نفتی آماده گردد. دستگاه سیا به جنب و جوش افتاد و کودتای ضد خلقی و ضدملی ۲۸ مرداد را تدارك دید.

در زمینه داخلی، دربار سلطنتی و مجموع محافل ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم و شخص شاه مخلوع، در برابر دکتر مصدق و نهضت ملی و انجاب‌بخش ایران قرار گرفتند و با دست این محافل سیاه‌کار بود که امپریالیزم توانست نقشه کودتا را به موقع اجرا بگذارد.

در جریان این کشمکش‌ها بود که شاه مخلوع تمام‌رخ و به‌سمت مدافع سرسخت قدرت‌های امپریالیستی و انحصارات نفتی، به تحریکات و دسیسه‌های دشمنان خارجی میدان داد و بارها به‌مثابه خار راه نهضت مردم ایران و خصم آشتی‌ناپذیر دکتر مصدق، که در آن زمان نماینده این نهضت بود، عمل کرد.

محمدرضا پهلوی، زیر رهبری مستشاران امریکائی و از طریق‌ارش با عده‌ای از نمایندگان خودفروخته مجلس و با تمهید مقدمات و مخالفت با خواست کاملا منطقی و درست دکتر مصدق، که ارتش در اختیاراو باشد تا نتواند به‌مثابه ترمز نهضت عمل کند، زمینه انتصاب قوام‌السلطنه را به‌سمت نخست‌وزیر ایران فراهم ساخت. یعنی‌کسی که‌ازبدو زمامداری خود، با نعره دلخراش فریادبرآورد که: کشتی‌بان را سیاستی دگرآمد!

این اقدام شاه مخلوع، پایه‌همکاری همه نیروهای وطن‌پرست و ضد امپریالیست را از هم‌پیشه استوارتر ساخت، مسئله تشکیل جبهه‌واحد، که از مدتی پیش مورد درخواست حزب تودهٔ ایران بود، خود به‌خود دربین توده‌ها عملی شد و قیام عمومی‌مردم، شاه مخلوع را ناگزیر به‌عقب‌نشینی و قوام‌السلطنه را مجبوربه‌کناره‌گیری کرد. بار دیگر دکتر مصدق زمام امور را در دست گرفت و با عزمی راسخ‌تر از پیش به‌کار پرداخت.

ولی دسیسه‌های دشمن همچنان‌ادامه داشت و به‌اشکال گوناگون سد راه پیشرفت نهضت و اقدامات دولت‌دکتر مصدق بود. ۵ماه آنی از توطئه کردن و زمینه‌سازی برای درهم شکستن نهضت فروگذاری نمی‌کرد. او خود را کاملا در اختیار سازمان‌های جاسوسی دشمن و مخصوصا «سیا» قرار داده بود و شب بیست و پنجم مرداد سال ۱۳۳۲، برای دومین‌بار، از طریق گمماردن خودسرانه زاهدی به‌نخست‌وزیری، در سراشیب‌خیانت کامل به‌نهضت فرو افتاد. ولی این توطئه عقیم ماند. محمدرضا پهلوی از ایران گریخت، و در حالی که بسیاری محافل، تنها با بیرون رفتن شاه مخلوع، کار را پایان‌یافته تصور می‌کردند، زاهدی، که تحت حمایت سفارت امریکا می‌زیست، سر از لانه خود بیرون آورد و به‌دست اوباش و اراذل خریداری شده، نقشه‌کودتا را، که برای دستگاه سیا ۱۹میلیون دلار تمام شد، به‌ثمر رسانید.

بلافاصله هجوم به‌تمام سازمان‌ها و احزاب دموکراتیك به‌نحووحشیانه‌ای آغاز گردید. دکتر مصدق به‌محاکمه کشیده شد، ولی دفاعیات وی قسمت عمده رذالت و خیانت سردمداران کودتا را برملا ساخت. دادگاه‌فرمایشی نظامی او را به سه سال زندان‌محکوم ساخت. دستاورد‌های نهضت، یکی بعد از دیگری، مورد دستبرد دشمنان داخلی و خارجی نهضت قرارگرفت. نفت ملی شده بار دیگر به‌تصرف نفت‌خواران، مرکب از انحصارات نفتی امریکا و انگلیس و فرانسه و هلند درآمد.

پس از پایان مدت زندانی، دکتر مصدق در ظاهر آزاد گردید، ولی عملا در احمدآباد تحت‌نظر دائمی مامورین ساواك بود، که تمام ارتباط او و آمد و رفت‌های کسان او را با وی، با شدت تمام مراقبت می‌کردند.

طولی نکشید که وی، درحالی‌که نگران سرنوشت مبارزه استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه مردم ایران بود، سر بزیر نقاب خاك برکشید، ولی آرمان‌های میهن‌پرستانه او نمرد. مبارزان مردم، به‌اشکال گوناگون، ادامه یافت و سرانجام با قیام همه خلقی ایران به‌رهبری امام خمینی، منجر به ساقط کردن رژیم طاغوتی شد. مردم میهن ما یاد این رهبر بزرگ نهضت را گرامی می‌دارند، و سالروز تولد او را، در شرایطی که آرمان‌های بزرگ او تحقق‌پذیرفته و انقلاب همه‌خلقی به‌سلطنت فاسد و پوسیده پهلوی نقطه پایان گذاشته و به سلطه جهنمی امپریالیست‌ها ضربه سنگین وارد ساخته است، باشکوه هرچه تمام‌تر برگذار می‌کند.

پرسش‌ها و پاسخ‌ها...

شده بود، نه‌طلبی موجود بود و نه طلائی بودبمه گذاشته شده بود. مسئله بر سرمخارج ترابری بود ثانیا میزان آن، حتی با درآمد یك‌روزه تولید نفت ایران نیز قابل مقایسه نیست. ولی مهم اینجا است که مذاکرات برای پرداخت این وجه، درست در زمان حکومت دکتر مصدق انجام گرفت و توافق‌های لازم نیز بین دولت شورروی و دولت مصدق حاصل شد. منتهی کودتای سیاه ۲۸ مرداد، که امپریالیست‌ها و شاه دول را درآغوش خود انداختند، مانع پرداخت آن به‌دولت مصدق شد. عرف لازم‌الاجرای روابط بین دول و تحول بعدی بدهی‌های مربوط به‌مخارج، چیزی جز اجرای قراردادی که بادولت مصدق منعقد شده، بود، نبود.

تمام این جریانات، با جزییات مربوطه و ارقام و آمار و نقل‌قول‌ها و تاریخ‌ها، بزودی در جزوه‌ای زیر نام **افسانه طلاها** از جانب حزب منتشر خواهد شد. وآن وقت مسلما هر انسان صادق و شریفی در مقابل این‌واقعیات پی‌خواهد برد که چگونه نخست امپریالیست‌ها و سپس مانئوئیست‌ها، افسانه‌ای پرداختند و از هیچ، مسئله‌ای ساختند تا سیاست ضد کمونیستی و ضد شوروی خود را دامن زنند. اما البته سادولوحی خواهد بود اگر فرض‌شود که دشمنان سوگند خورده خلق، در برابر حقیقت، سلاح سفسطه و تهمت را زمین گذارند. فقط وظیفه مبارزان شریف و انسان‌های صادق است که با مقایسه بین تهمت و حقیقت، دشمن را ازدوست تمیز دهند. منتظر جزوه‌ای‌که نام بردیم، باشید.

آن‌هاکه مرده‌اند

آن‌ها که برده‌اند نبردند،
بس آرزو به سینه درون برد.
دشمن نمود آنچه نمود.
اما نشد آرزوبه پیروز.

خون‌ها ،بس به روی زمین‌ریخت،
بسی آرزو به سینه درون برد.
بسیارکشته شد زرفیان،
دشمن ولی شکست‌زما خورد.

آن‌ها که تیر دشمن خون ریز،
از پا درآمدند سرافراز،
تا در مسیر خویش‌نوسند،
با خون سرخ نام یکی راز.

راز یکی ایست داده به تاریخ،
تاریخ رنج بردن انسان،
بگشود شاه راه جدیدی
در پیش‌پای خلق پریشان.

آری‌به خون سرخ نوشتند
آن روز راز خویشتن آن ها
زین رو نمرده‌اند و نمیرند،
از ما کسی نمرد درآنجا.

پس از انتشار خبر کشف اسناد مربوط به چگونگی همکاری میان سازمان‌های جاسوسی چین، امریکا، اسرائیل وساواك در ایران برضد جنبش انقلابی مردم ایران، اینك فاش شده است که رهبران پکن به‌امریکا، برای جاسوسی بر ضد اتحاد شوروی، در خاك چین پایگاه جاسوسی داده‌اند! چنین است یکی از اشکال و مظاهر همکاری مانئوئیسم با امپریالیسم برضدسوسیالیسم!

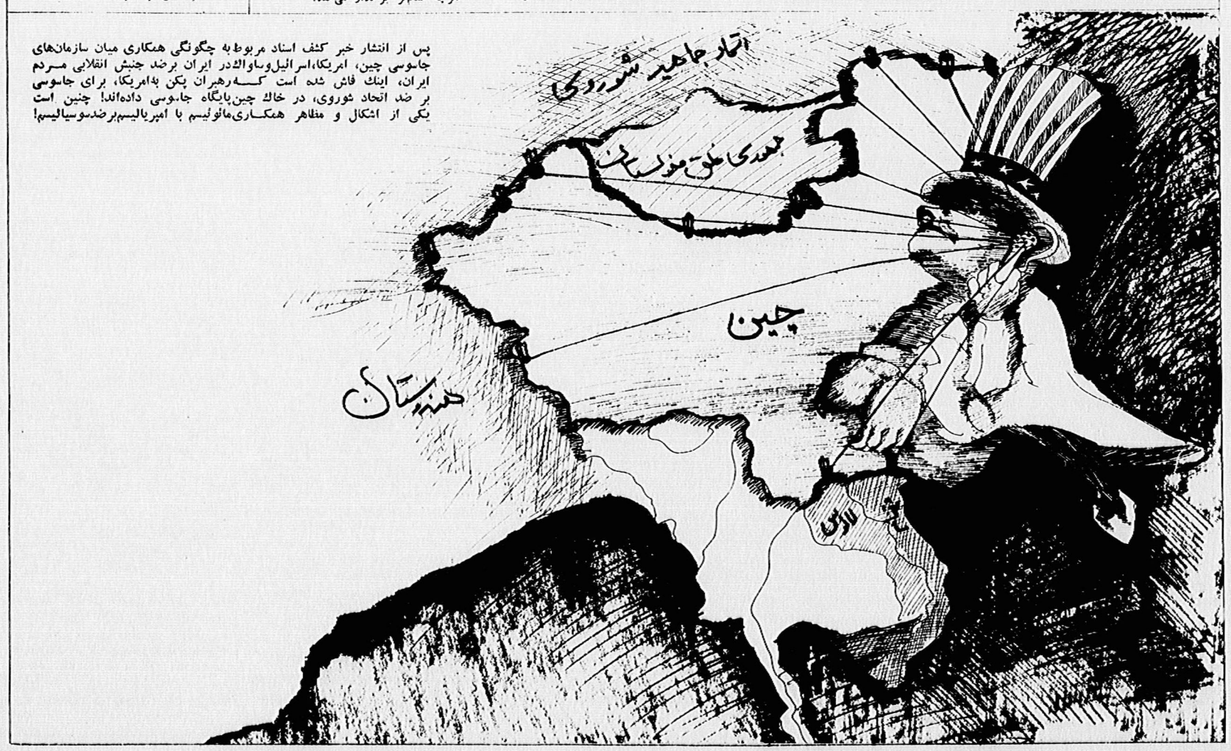

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

توجه!

برای این ستون نامه‌های متعددی به«مردم» رسیده است. باید صراحتا بگوئیم که‌همه سئوال‌ها جالب و مهم‌اند و روشن شدن مسائل مطروحه کاملا ضروری است منتهی حجم این ستون و خدمات روزنامه امکان آن‌را نمی‌دهد که بتوان مشروحاً و با تمام

برای افراد زیادی از خوانندگان«مردم»، ازدوستاران حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌هائی در بارهٔ تاریخ حزب، سیاست حزب و مواضع حزب نسبت به‌مسائل گوناگون پیش می‌آید. ازاین‌پس روزنامه «مردم» ستونی می‌گشاید، زیر عنوان «پرسش‌ها و پاسخ‌ها»، و در این ستون کوشش به‌عمل خواهد آمد به‌پرسش‌هائی که از طرف افراد مختلفی، به‌یکسان و یا تقریبا یکسان مطرح می‌شود، پاسخ داده شود.

از خوانندگان «مردم» و دوستاران حزب خواهشمندیم پرسش‌های خود را به دفتر روزنامه مردم ارسال دارند.

استدلالات باین پرسش‌ها ــ در اینجا ــ پاسخ داد. حزب وسایل، نشریات وجزوات دیگری را در جهت پاسخ‌به‌این‌نیازاختصاص خواهد داد. ما می‌دانیم که ۲۵ سال سلطه مرگبار رژیم پهلوی و حملات و اتهامات مداوم و کارزار بیسابقه و قطع‌نشدنی ضد کمونیستی و ضد توده‌ای درباره سیاست و روش و تاریخ حزب، پرسش‌های‌عدیده‌ای به‌وجود آورده است، که طرح آن‌ها کاملا بدیهی و طبیعی است. سیطره ساواك ما‌را ناچار می‌کند که اکنون به‌پرسش‌هائی پاسخ گوئیم، که اگر در زمان خودفرصت و امکان آن‌را می‌یافتیم، دهها سال پیش حل شده بود و امکا بصورت مسئله‌ای باقی نمی‌ماند ضمن این‌که به‌بسیاری از این پرسش‌ها در نشریات حزب پاسخ داده شده، ولی به‌علت ترور و اختناق گذشته، این نشریات به‌دست علاقه‌مندان نرسیده است.

در این ستون ما فقط می‌توانیم به رئوس پاسخ‌های برخی از پرسش‌ها اشاره کنیم نه‌بیشتر، به‌امیدآن‌که خواننده به‌منابع‌دیگر هم رجوع کند و بخصوص تشویق شود که از طرق‌دیگربه‌پاسخ‌مفصل‌وحتی‌ر و مستدل‌تری دست‌یابد و یا مطالعه یا مراجعه و بحث، آگاهی خود را کامل‌تر کند. باز شدن این ستون، باجمع شدن پرسشها و نکات‌ناروشن در مورد تاریخچه نهضت و سیاست حزب و انتخاب بهترین راه برای پاسخ به‌آن‌ها، کمك می‌کند.

*

خواننده «مردم»، «فرزانه ــ ف»، در باره درست‌بودن مهاجرت سیاسی عده‌ای از رهبران حزب، در سال «۱۳۳۴»، و در باره باقی ماندن رفیق شهید خسرو روزبه و تصمیم او سئوال کرده است.

ــ خواننده محترم! نه مهاجرت سیاسی عمل نادرست یا در هر شرایط درستی است و نه‌باقی‌ماندن در هر شرایط. اگر به‌تاریخ کشورها و منجمله میهن ما «راجعه کنید، بارها نمونه مهاجرت سیاسی را برای‌تداوم مبارزه، در شرایطی که این امر ضرورت داشته، مشاهده می‌کنید. در خود جنبش جهانی کارگری و کمونیستی نیز، از بنیان‌گذاران سوسیالیسم علمی گرفته تا موارد متعدد درکشورهای مختلف، مهاجرت سیاسی روی‌داده و می‌بایست هم در لحظه معین، برای نجات کادرها و خنثی‌کردن نقشه دشمن در مورد امحاء جسمی تمام یك حزب یا یك نهضت، به‌آن متوسل شد. مهاجرت سیاسی عده‌ای ازرهبران‌واعضای حزب توده ایران، در سال‌های بلافاصله پس از کودتا (و عده‌ای قبل‌از آن)، یك چنین اقدامی بود و اینك آشکار است‌که از نظر انتقال تجربیات نسل‌های انقلابی و تداوم پیکار، امر بیهوده‌ای نبوده است. هم‌چنین است مهاجرت‌های متعدد سران اخیر دکتر شریعتی و غیره.

در مورد رفیق شهید روزبه، شرایط متفاوت بود. البته او نیز می‌توانست از چنگال دژخیمان، که روز و شب درتعقیبش بودند، رهائی یابد، ولی در شرایط ۴-۳ سال بعد از کودتا، که پس از خروج عده‌ای از رهبران و اعضای حزب، تنی‌چند بزبونی و خواری پا برسر اعتقادات و آرمان‌های قبلی خود گذاشتند و جو بسیار نامساعد روحی و فشار، حاکم شده بود، رفیق شهید روزبه تشخیص داد که در این لحظه ویژه، وظیفهٔ اوحفظ حیثیت‌حزب‌وبالابردن روحیه‌ها، حتی بقیمت جان است. شما اگر دفاعیات او را در دادگاه تجدیدنظر نظامی بخوانید، از زبان خودش خواهید فهمید که چرا وی‌درآن لحظه معین، چنین راهی را انتخاب کرد و با افتخاروسربلندی آن‌را تا پایان پیمود. دوست عزیزا حقیقت همواره مشخص است. یك نسخه کلی برای همه موارد وجود ندارد. علاوه براین‌ها، این مطلب را از ما داشته باشید‌که، تثبیت فراوانی به‌منظور جداکردن روزبه از حزبش، و حمله به‌دومی زیر نقاب دفاع از اولی، انجام می‌شود. روزبه همواره براه حزبش وفادار ماند و این افتخارش بود و اکنون او مایه افتخار حزبش. شرم و ننگ از آن کسانی است که می‌کوشند این‌افتخار روزبه و مایه اصلی زندگی و نبردیش را از وی باز ستانند. این‌گونه حملات و در مقابل هم قراردادن روزبه و حزب تودهٔ ایران، دو جهت دارد، که یکی هم هتك حیثیت و حرمت روزبه و تهی‌کردن این راه و روشی است که او را تا بدان حد ارتقاء داده است. توجه داشته باشید که در این دام نیفتید.

*

دوست‌عزیزا در پاسخ به‌پرسش شما می‌شد به‌این مصرع معروف اکتفا کردکه: هر نکته به‌جای خویش نیکوست، یعنی هرعمل شخصیت انقلابی و قهرمان ملی از ماهیت خویش، معنا و صحت واثربخشی خود را ظاهر می‌سازد و نباید مطلق‌گرایانه مسائل را ساده کرد و به‌طور سطحی بمقایسه نشست. با اینحال لازم دیدیم توضیحات اضافی را در اختیار شما بگذاریم. لطفا دفاعیات خسرو روزبه در دادگاه تجدیدنظر نظامی و مقاله «مهاجرت سیاسی»، مندرج در شماره ۱۵ مجله دنیا سال ۱۳۵۴، را نیز بخوانید.

*

درچندین نامه، سئوال مشابهی درباره طلاهائی ــ ۱۱تن ــ (یك دوست نوشته ۱۷ کیلو) که گویا ایران از شوروی طلب داشته و دولت شوروی، در زمان حکومت مصدق پس نداده، ولی بعد از کودتا پس‌داده است، مطرح می‌شود. یکی می‌پرسد: کی ما این طلاها را به‌شوروی داده بودیم؟ دیگری می‌پرسد: آیا ایران چه‌چیزی به‌شوروی فروخته بود، و غیره.

ــ دوستان عزیزا «مسئله طلاها»، که بسیار ساده است، منتهی در گذشته، تبلیغات امپریالیستی، و در سال‌های اخیرگروهك های مائوئیستی، با سفسطه‌بازی و جعل و پخش مطالب دروغ آن‌را بفرنج وبزرگ کرده، به«مسئله» بدل ساخته‌اند.

به‌هنگام جنگ ضد فاشیستی و استفاده از راه‌های موامسلانی ایران برای تحویل برخی کالاها به‌اتحاد شوروی، قرار شد مخارج لازمه توسط دول مربوطه پرداخت شود. طبق محاسباتی که شد، این مخارج برای اتحاد شوروی، برابر یازده‌میلیون دلار بود، که در آن‌موقع تقریبا معادل ۱۱ تن طلا می‌شد. بنابراین اولا نه‌جنسی‌فروخته

بقیه در صفحه ۶

رویدادهای جهان

● نقش میلیتاریستی، ضدکارگری ونژادپرستانه تاچر

دولت مارگارت تاچر اعلام کرد که نقش این‌کشور را در ناتو افزایش خواهد داد و قاطعیت قدرت بازدارنده اتمی انگلیس را حفظ خواهد کرد. دولت تاچر همچنین تصریح‌کرد که می‌خواهد نقشی فعالتر در توسعه جامعه اقتصادی اروپا ایفا کند.

از طرف دیگر ناظران دیپلماتیك در لندن، درپی اعزام یك مقام عالی‌رتبه‌وزارت خارجه انگلیس به‌رودزیا، ابراز عقیده‌کردند که تاچر با این اقدام، امتیازی به جناح «راست‌گرای» حزب محافظه‌کار داده است. این ناظران ادعا کردند که جناح «راست‌گرا» برای القای مجازات اقتصادی رودزیا و به‌رسمیت‌شناختن دولت اسقف موزوروا، دولت تاچر را زیرفشار قرارمی‌دهد. حال آن‌که بی‌این فشار و از همان آغاز اعلام شد که‌تاچر طرفدار رژیم نژادپرست رودزیاست و حتی پان‌اسمیت از انتخاب وی به‌مقام نخست‌وزیری ابراز خرسندی کرد.

همزمان با اعلام خط‌مشی کابینه محافظه‌کار، پاره‌ای فعالیت‌های دیپلماتیك و رأی قاطع مجلس سنای امریکا نیز به‌پاری تاچر آمد. سنای امریکا از جیمی کارتر خواست که به‌القای مجازات‌های اقتصادی مقرر علیه رودزیا اقدام کند. سنا همچنین با اکثریت مطلق به‌لغو این مجازات‌ها رای می‌داد و اعلام کرد که‌امریکا باید مرزهای بازرگانی خود را به‌روی رودزیا بگشاید.

تقارن زمانی این اقدام سنای امریکا و دیدار اخیر سایروس ونس، وزیر امور خارجه این کشور، با لرد کاریتگتون، وزیر خارجه خانم تاچر، که به‌موضوع رودزیا نیز ارتباط داشته است، درخور تامل و واجد اهمیت است.

مارگارت تاچر در اعلام و ایضاح برنامه دولت خود تاکید کرد که هدف دولت وی سوق دادن کشور به‌راست است. سیاست داخلی تاچر، به‌کاهش قدرت اتحادیه‌های کارگری، تقلیل مالیات‌های مستقیم و کمك مالی به‌بخش خصوصی، تقویت نیروهای پلیس و ارتش متوجه است، و سیاست خارجی وی به‌حمایت از سیاست تشنج و نظامات نژادپرست و تجاوزکار، در هماهنگ این سیاست اتخاذ روش دوستانه نسبت به‌رودزیا و چین،وموضع خصمانه دربرابر کشورهای‌سوسیالیستی را دربر دارد.

آنچه نباید در این میان ناگفته ماند، این است که ناظران، درگیری، میان سندیکاهای کارگری و دولت محافظه‌کار را قابل پیش‌بینی می‌دانند.

● مستمسك‌های گوناگون برای مسابقه تسلیحاتی

فرانسیس پایم، وزیردفاع‌کابینه تاچر، تعهدات دولت محافظه‌کار را دربرابر ناتو (پیمان آتلانتیك شمالی) مورد تایید قرارداد. وی که یك روز پس از اختتام اجلاس کمیته برنامه‌ریزی دفاعی ناتو، که با شرکت همه اعضای این پیمان، به‌غیراز یونان و فرانسه، تشکیل شده بود، در یك کنفرانس مطبوعاتی سخن می‌گفت، در توجیه موضع تجاوزکارانه ناتو گفت: «بدون‌کردن برنامه دفاعی ناتو به‌تناسب شرائط روز جنبه فوری دارد، چون‌که ناتو با اقدامات پیمان ورشو در زمینه ایجاد نیروهای دفاعی مدرن مواجه است».

پیمان تجاوزکار آتلانتیك شمالی برای آن‌که این برنامه را به‌موقع اجرا گذارد، تصویب کرد که چهار میلیارد و پانصد میلیون دلار در پنج سال آینده برای ساختن هواپیما و تجهیزات آن مصرف کند. این مبلغ، نخست به‌میزان شش میلیارد وهفتصدوپنجاه میلیون‌دلار، ازطرف‌امریکا پیشنهادشده‌بود. مقامات امریکایی اعلام‌کردند که کاهش این مبلغ منظور امریکا را در این مورد، که این کشور در زمان جنگ، در مدت‌دوروز، نیروهای خود را در اروپای غربی دوبرابر سازد، تامین نمی‌کند.

● بیکاری نتیجه تبعی و طبیعی مسابقه تسلیحاتی

خبرگزاری تاس اعلام کرد که وزیران کار کشورهای عضو بازار مشترك‌اروپا، که در بروکسل اجتماع کرده‌اند، نتوانستند برای رفع مشکل بیکاری در کشورهای عضو این بازار بدراه حل مشترکی دست‌یابند.

وزیر مشاور امور اشتغال انگلیس از افزایش بیکاری درانگلیس ابراز نگرانی کرد. لازم به‌تذکار است که در کشورهای عضو بازار مشترك ۶ میلیون بیکار وجود دارد.

● گروکشی برای پایگاه‌های نظامی

ترکیه از آن جمله کشورهای عضو پیمان «ناتو»ست، که بدین نتیجه تبعی دچار آمده است. دولت کارتر اعلام کرد که این کشور به‌میلیون‌ها دلار کمك اقتصادی و نظامی امریکا نیاز دارد.

البته باید توجه داشت که امپریالیسم امریکا، این به‌اصطلاح کمك را «فی سبیل‌الله» یا «فی‌سبیل حقوق بشر» در اختیار ترکیه نمی‌گذارد. چنان‌که وارن کریستوفر، معاون وزارت امور خارجه امریکا، در کنگره این کشور، به‌قصد واقعی دولت متبوع خود در باره ایجاد پایگاه‌های (جاسوسی و ضد شوروی) امریکا و گروکشی مقامات ترکیه در مورد آن ــ به‌منظور تحصیل این میلیون‌ها دلار ــ اعتراف کرد. وی گفت: اجویت از این پایگاه‌ها به‌عنوان ورق برنده خود در کوشش به‌منظور تحصیل کمك فوری غرب استفاده می‌کند».

لکن آنچه با توجه به‌سوابق و تجارب ما درباره این «کمك‌ها» مضحك‌می‌نماید، این است که کریستوفر گفته است: «بی‌این کمك، وضع اقتصادی ترکیه وخامت بیشتری کسب خواهد کرد»! حال آن‌که ملت‌هایی که صابون امپریالیست‌ها، بالاخص امپریالیسم امریکا، به‌تنشان خورده، نیك می‌دانند که این به‌اصطلاح کمك‌ها منشاء وخامت اقتصادی است نه‌رافع‌آن.

● ...ویونان در دام جاسوسی به‌جای ایران

روزنامه «گراسنایا زوه‌زدا» (ستاره سرخ)، ارگان ارتش شوروی، اقدامات پیمان‌نظامی‌اتلانتیك‌شمالی را به‌منظور واردکردن‌مجدد یونان دراین سازمان محکوم کرد. این روزنامه سپس نوشت که ناتو قصد دارد دستگاه‌های جاسوسی و استراق سمع امریکا را، که پس از پیروزی انقلاب ایران از این کشور به‌خارج برده شده، در یونان مستقر کند.

● بهانه‌ای دیگر برای تجاوز

جوزف بیدن سناتور دموکرات امریکا اخیرا اعلام کرد که گزارش‌هایی به‌دست وی رسیده حاکی از این‌که، دولت کارتر دست‌اندرکار بررسی طرحی است، که‌برطبق آن، آمریکا نیروی صدهزارنفری از افراد نظامی بسیج شده خود را برای حفظ «منافع» این کشور در ماوراء دریاها، از جمله در خلیج فارس، تشکیل می‌دهد، والتر کانلر، سفیر احتمالی امریکا در ایران، که به‌عنوان شاهد احضار شده بود، از تایید این گزارش امتناع کرد. لکن این نکته را مورد تایید قرار داد که «در دیپلماسی امریکا حضور نظامی پیش‌بینی شده است»! وی همچنین تصریح کرد که «حضور چنین نیروی، در بعضی موارد برای کشورهایی که خود را در معرض تهدید احساس می‌کنند، عاملی است تضمین کننده و اطمینان‌بخش، و بدثبات اوضاع منطقه می‌تواند کمك کند»!

● مواضع مردمی در کنفرانس باز، گانی و توسعه سازمان ملل متحد (اونکتاد)

معاون وزارت بازرگانی خارجی اتحاد شوروی، در نطقی که در کنفرانس و توسعه سازمان ملل متحد ایراد کرد، اعلام داشت که کشورهای سرمایه‌داری در راه اعتلای اقتصادی و توسعه کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین سد ایجاد می‌کنند. وی برخی از کشورهای «جهان سوم» را نیز بدین سبب مورد انتقاد قرارداد که در زمینه نظارت برسرمایه‌های خصوصی مبارزه نکرده‌اند.

معاون وزارت بازرگانی خارجی شوروی سپس گفت: «اتحاد شوروی آماده است از کشورهای «جهان سوم» در برابر شرکت‌های چند ملیتی غرب و نظام تجاری کشورهای صنعتی غرب پشتیبانی کند.»

وی متذکر شد که برخی از کشورهای «جهان سوم»، در مقابله با گسترش فزاینده سرمایه‌های خصوصی، غیر فعال هستند و این عدم تحرك برای استقلال کشورهای صنعتی غرب پشتیبانی کند.»

افغانستان و کنیا سازمان ملل را تشویق کردند که به‌تحکیم روابط تجاری میان کشورهای سوسیالیستی و «جهان سوم» بکوشد و از کشورهای توسعه یافته خواستند که کمك به‌توسعه کشورهای فقیر را افزایش دهند.

وزیر بازرگانی افغانستان در سخنرانی خود در کنفرانس بازرگانی و توسعه سازمان ملل ابراز امیدواری کرد که کشورهای سوسیالیستی روابط تجاری خود را با کشورهای درحال رشد، از طریق کمك‌های اقتصادی و فنی گسترش دهند.

در اینجا ذکر این واقعه نیز خالی از اهمیت نیست که هنگامی‌که نماینده اسرائیل در اجلاس «اونکتاد» از جای برخاست، تا موضع دولت صهیونیست متبوع خود را اعلام کند، نمایندگان همه کشورهای عرب سالن را ترك کردند. هانی حبیب، نماینده دولت سوریه، گفت: «ما اسرائیل را به‌رسمیت نمی‌شناسیم و همه کشورهای عرب، به‌غیر از مصر، که دیگر از ما نیست، سالن کنفرانس را ترك کردند».

در کنگرهٔ حزب کمونیست فرانسه

در بیست و سومین کنگره حزب کمونیست فرانسه، که اخیرا به‌کار خود پایان داد، دو هزار نماینده از جانب ۷۵۵هزار نفر اعضای حزب‌کمونیست و هم‌چنین هیئت‌های نمایندگی از جانب ۸۸ حزب کمونیست و کارگری و سازمان‌های آزادی‌بخش ملی و دمکراتیک شرکت داشتند. منجمله نمایندگان حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب کمونیست ویت‌نام، احزاب کمونیست سایرکشورهای سوسیالیستی، سازمان آزادی‌بخش فلسطین، جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر، حزب دمکراتیک خلق افغانستان و حزب تودهٔ‌ایران، در کنگره شرکت داشتند. ریاست هیئت نمایندگی حزب توده ایران را، رفیق علی خاوری، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران به‌عهده داشت.

رفیق ژرژ مارشه، که در پایان کارهای کنگره بار دیگر به‌دبیرکلی حزب انتخاب شد، در گزارش خود گفت: «بحرانی که فرانسه را دربرگرفته، ناشی از خصلت سیستم سرمایه‌داری است و به‌خاطر کسب سود هرچه بیشتر، از طرف سرمایه‌داران انحصارگر به‌زحمتکشان تحمیل شده است. ما فرانسوی‌ها به سیاست هیئت حاکمه سرمایه‌داری فرانسه، که از طرف ژیسکار دستن اجرا می‌شود، بعداً پاسخ منفی می‌دهیم.»

وی زمینه‌های بسیار متنوع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی نبرد زحمتکشان و نقش حزب کمونیست فرانسه را برشمرد. در مورد کشورهای سوسیالیستی، ژرژ مارشه اظهار داشت: «قدرت اقتصادی و سیاسی و نظامی کشورهای سوسیالیستی به‌نحو چشمگیری رشد کرده است و این خود تمام تضادهای سیستم سرمایه‌داری را تشدید کرده و در عین حال همزیستی مسالمت‌آمیز را به‌آنان تحمیل نموده و به‌پیکار علیه استثمار سرمایه‌داری در سرتاسر جهان کمك موثری می‌کند.»

وی اضافه کرد: «در کشورهای سرمایه‌داری، طبقه کارگر طی مبارزات خود رشد کرده، متشکل شده و صاحب تجربه و نفوذ گردیده است. دراغلب کشورها، مانند کشورما، مبارزه جهت تغییرات سیاسی عمیق در دستور روز قرار گرفته است.»

دبیرکل حزب کمونیست فرانسه سپس گفت: «سیستم‌های استبدادی نظیر پرتغال، یونان و اسپانیا از بین رفته‌اند. در ایران، دیکتاتوری خونینی، که از پشتیبانی همه‌جانبه امریکا و هم‌چنین ژیسکاردستن برخوردار بود، جاروشد.»

در مورد روابط چین و شوروی، ژرژ مارشه اظهار داشت که « رهبران چین، اتحاد جماهیر شوروی را دشمن اصلی خود می‌شمارند و در جهت تقویت پیمان تجاوزکار ناتو اظهار نظر می‌کنند.» وی تجاوز چین به‌ویتنام را مورد انتقاد قرار داد و از این که در نتیجه رفتار مدبرانه اتحادشوروی، این نزاع متوقف گردید، اظهار رضایت کرد.

کنگره حزب کمونیست فرانسه تصمیمات خود را در محیط بحث آزاد و سازنده و با وحدت نظر اتخاذ کرد.

در جریان و پایان کنگره میتینگ‌های همبستگی با شرکت ۸۸ حزب و سازمان کشورهای مختلف، در ۲۱ شهر فرانسه تشکیل شد. در میتینگی که در شهر «بورژه» برای همبستگی با احزاب کمونیست، کارگری وزحمتکشان جهان، علیه امپریالیسم و استبداد، تشکیل شده بود، رفیق علی خاوری، رئیس هیئت نمایندگی حزب توده ایران، سخن گفت، که با احساسات بسیار گرم و پرشور زحمتکشان فرانسوی و کلیه حضار روبرو شد.

«مردم» خلاصه‌ای از این سخنرانی را در اینجا می‌آورد:

رفقای عزیز!

«اجازه می‌خواهم که از طرف حزب تودهٔ ایران، حزب طبقه کارگر ایران، به‌شما و از طریق شما به‌همه کمونیست‌های فرانسه گرم‌ترین شادباش‌های خود را عرضه دارم. ما در ایران همواره از پشتیبانی گرم و همبستگی فعال شما در نبرد دشوار و پرنشیب و فراز خود برخوردار بوده‌ایم. ما توده‌ای‌های ایرانی، همیشه کمونیست‌های فرانسوی، طبقه کارگر و دمکرات‌های فرانسوی را، چه در سیاه‌ترین سال‌های حکومت شاه مخلوع، چه در جریان انقلاب شکوهمند خلقی خود و چه هم‌اکنون پس از پیروزی و طرد سلطنت، در دوران بغرنجی که نبرد ضدامپریالیستی و دمکراتیك ما به‌مرحله کیفیتا نوینی ارتقا یافته است، درکنار خود و همبسته با خود حس کرده و می‌کنیم».

رفیق خاوری پس از صحبت پیرامون مبارزه حزب کمونیست فرانسه اضافه کرد:

«احترام ما به‌حزب پرافتخار کمونیست فرانسه، ناشی از همین نبرد آشتی‌ناپذیر علیه امپریالیسم و سرمایه انحصاری، جست‌وجوی صادقانه راه پیروزی سوسیالیسم، که بزرگ‌ترین خدمت به‌امر مشترك همه ماست، ناشی از همین همبستگی بین‌المللی پرلتری است. سپاسگزاری ما نیز از حزب شما ــ که در آغاز سخن از آن یاد کردم ــ تنها یك واژه بی‌محتوی نیست، بلکه بیانگر احساس عمیقی است که همه ما توده‌ای‌های ایرانی و همه مبارزان ضدرژیم ساقطشده شاه مخلوع، از ابراز همبستگی شما با نبرد خود و کوشش شما برای نجات جان میهن‌پرستان محکوم به‌اعدام، فعالیت برای آزادی‌زندانیان سیاسی، مبارزه برای احترام به‌حقوق‌بشر و آزادی‌های دمکراتیك، کوتاه کردن چنگال خونین ساواك مخوف شاه مخلوع در دل می‌پرورانیم.»

رفیق علی‌خاوری که خود در دادگاه نظامی شاه مخلوع به اعدام محکوم شده بود، درباره کارزار همبستگی با شرکت دوستان فرانسوی سخن گفت و اضافه کرد:

«بسیارند مبارزان کمونیست و ترقی‌خواه ایرانی، که همانند من، این همبستگی فعال و ثمربخش را در ژرف‌ترین زوایای قلب گرم خود، در پشت میله‌های سرد زندان حس کرده‌اند و به‌آن ارج فراوان می‌نهند. رفقایم و من در آن زمان از مرگ نجات یافتیم و به‌زندان ابد محکوم شدیم، تا همین اخیرا انقلاب ضدامپریالیستی و دمکراتیك خلق ما درهای زندان‌ها را گشود و زندانیان سیاسی را از یکی‌ازمخوف‌ترین سیاه‌چال‌های رژیم‌های دست‌نشانده امپریالیسم آزاد کرد.»

رفیق‌خاوری عضو کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران، سپس درباره انقلاب ایران چنین گفت:

«همه‌گیری بی‌سابقه، پی‌گیری قهرمانانه و یگانگی صفوف همه مبارزان، دربرابر رژیمی که صاحب یکی از بزرگ‌ترین ارتش‌های کاملا مجهز جهان و یکی از جلادترین سازمان‌های امنیت دنیا و برخوردار از حمایت همه‌جانبه امپریالیست‌های امریکائی بود، به‌پیروزی رسید. ده‌ها میلیون نفر در همه شهرها و دهات ایران، طی ماه‌ها و ماه‌ها، صدها هزار قربانی دادند. با ابتکارات بی‌سابقه از حربه‌های متنوع نبرد استفاده کردند. بارها و بارها تظاهرات خیابانی، هریك چند میلیون نفری ترتیب دادند، که ضربات قاطعی برحکومت شاه مخلوع بود. طولانی‌ترین و همه‌گیرترین اعتصاب سیاسی سراسری جهان را که در مواردی بیش از سه ماه بطول انجامید، سازمان دادند، که به‌کلی کمر رژیم را شکست. نقش طبقه کارگر قهرمان ما و در پیشاپیش آن‌ها کارگران نفت در این زمینه نقش قاطع و تعیین‌کننده بود. و بالاخره پس از آن که در ژانویه شاه مخلوع مجبور به‌ترك ایران شد، توطئه سرکوب نظامی جنبش توسط قیام مسلحانه خلق درهم شکسته شد و انقلاب در ماه فوریه به‌پیروزی رسید. این جنبش عظیم زیر رهبری پی‌گیر و آشتی‌ناپذیر امام خمینی، با هدف‌گیری مشخص و بدون تزلزل، در جهت برانداختن

بقیه در صفحه ۶

یك ربع قرن پس‌از شهادت ۵ توده‌ای در زندان رشت

رفیق شهید محمدتقی اقدام دوست
۱۳۳۳ ــ ۱۳۵۴
مسئول سازمان حزب توده ایران درفومن

مراسم پرشکوه و هیجان‌انگیز بزرگداشت خاطره شهادت ۵ تن رفیق توده‌ای در زندان شهر، که ۲۳ اردیبهشت‌ماه سال ۳۳ بدست جلادان شاه سابق صورت گرفت، در رشت‌برگزار شد. از آن‌روزی‌که گروهی کماندوی تا دندان مسلح با نقشه قبلی وبرای ارعاب زندانیان سیاسی در گیلان و سراسر ایران و درهم شکستن روحیه‌ها، به‌زندان رشت یورش بردند و با وحشیانه‌ترین وجهی رفقای ما: **محمدتقی اقدام‌دوست فومنی، علی‌بلندی صومعه‌سرائی، هرمز نیکراه رشتی، محبت‌خواه رشتی و سبزعلی محمد پورماسالی** را به‌شهادت رساندند، یك‌ربع قرن می‌گذرد.

اگر هر اردیبهشت سالروز مرگ این مبارزان ثابت‌قدم، در خفا و دشواری‌های بیکران برگزار می‌شد، امسال، به‌برکت انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و دمکراتیك مردم ایران، اهالی رشت و دیگر نواحی گیلان توانستند برای اولین بار آزادانه از شهدای خود تجلیل کنند و طی یك‌گردهم‌آئی پرشور، خاطره‌فراموش‌نشدنی این‌توده‌ای‌های مبارز را گرامی دارند.

درجریان جلسه یادبود، در گورستان «تازه‌آباد» هنگامی که سخنران سالخورده‌ای خاطرات خویش را گفت و از رفقای شهیدنام برد، همه حضار به‌شدت تحت تاثیر قرار

بقیه در صفحه ۴

«آنتی کمونیسم به‌سود کیست؟»

آنتی‌کمونیسم سلاح ایدئولوژیك و سیاسی ارتجاع امپریالیستی معاصر است. محتوای اصلی آن اتهام‌زدن به‌نظام سوسیالیستی، تحریف اهداف و مشی‌احزاب کمونیست، تحریف آموزش مارکسیسم ــ لنینیسم است.

آنتی کمونیسم بازتاب انحطاط‌روزافزون ایدئولوژی بورژوائی است. هدف تبلیغات گسترده آنتی کمونیستی، تضعیف جنبش انقلابی طبقه‌کارگر، و هم‌چنین، تضعیف جنبش‌های آزادی‌بخش ملی از طریق جدا کردن آنها از متحدشان، یعنی اتحادشوروی و کشورهای سوسیالیستی است.

همچنان‌که تجربه بارها نشان داده، هر گونه یورش به‌آزادی از یورش به‌احزاب کمونیست آغاز می‌شود. این‌یورش مقدمه سلب فعالیت آزاد از تمامی دیگر نیروهای دمکراتیك در جامعه است. در اندونزی، در سودان، در شیلی، همه‌جا چنین‌بوده‌است. حمله به‌توده‌ایها توسط رژیم کودتائی شاه مخلوع آغاز پایان دادن به‌هرگونه آزادی در ایران بود. رژیم‌های ضد کمونیست نمی‌توانند پاسخ‌گوی نیازمندی‌های توده‌ها باشند.

در این روزها محافل معینی می‌کوشند با تحریك احساسات و سوء استفاده از عقائد مذهبی مردم به‌آنتی‌کمونیسم دامن زنند و

بقیه در صفحه ۴

«پیروز است نهضت فلسطین و ایران!»

آیت‌الله طالقانی

صحنه‌ای از مراسم سالروز اشغال فلسطین

ساعت ۳٫۵ بعد از ظهر روز ۲۶ اردیبهشت، اجتماع پرشکوهی با شرکت ده‌ها هزار نفر، در محوطه چمن زمین ورزش‌دانشگاه تهران، به‌مناسبت ۱۵ ماه مه، سالروز اشغال فلسطین برگزار شد. طی‌این مراسم که با سرودهای فلسطینی آغاز گردید، مجاهد بزرگ آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله خلخالی، برادر حلیم نایب نماینده انقلاب فلسطین در ایران، تنی چند از سفرای کشور های‌عربی و کشورهای سوسیالیستی و شخصیت‌های دیگر حضور داشتند.

مراسم، که به‌دعوت سازمان آزادی‌بخش فلسطین برگزار شده بود، با سخنرانی آیت‌الله خلخالی آغاز شد. پس از چند سخنرانی و شعرخوانی، آیت‌الله طالقانی و نماینده فلسطین صحبت کردند. جمعیت با غریو «درود برطالقانی»، مقدم اورا گرامی داشت.

حضرت آیت‌الله طالقانی در نطق خود از جمله گفت: «مردم فلسطین نه‌فقط برای فلسطین، بلکه برای تمام دنیا الهام‌بخش رهائی مظلومین شدند و روزی می‌رسد که سرزمین فلسطین آزاد شود و بیت‌المقدس و جایگاه معراج به‌صاحبان اصلی خود برگردد. صاحبان بیت‌المقدس همه مسلمانان و مسیحیان و یهودیان هستند، ولی صهیونیست‌ها می‌گویند بیت‌المقدس فقط مال ماست.» وی افزود: «اکنون که ما در این اجتماع و به‌یاد فلسطینی‌ها دورهم جمع شده‌ایم، امپریالیسم و صهیونیسم سعی

بقیه در صفحه ۴

مردم، ارگان مرکزی حزب‌تودهٔ ایران
فعلا هرهفته سه شماره: شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود
نشانی:
خیابان ۱۶ آذر، شمارهٔ ۶۸، تلفن:
۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

به‌علت استقبال کم‌نظیر مردم، زمان نمایشگاه به‌یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران تمدید شد

روز ۲۱ اردیبهشت، همزمان با برگزاری مراسم سالگرد شهادت خسرو روزبه،قهرمان ملی ایران و عضو کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، نمایشگاه به‌یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران نیز افتتاح شد.

نمایشگاه، از همان ساعت افتتاح، با استقبال کم‌نظیر مردم روبرو شده و تاکنون نه‌فقط عده کثیری از مردم تهران، بلکه بسیاری از مردم شهرستان‌ها نیز از آن دیدن کرده‌اند و با زندگی و پیکار و شهادت شهیدان راه آزادی و استقلال‌ایران آشنا شده‌اند.

در دفتر یادبود نمایشگاه، نوشته‌هائی از جانب بازدیدکنندگان دیده می‌شود که حاکی از حق شناسی نسبت به‌شهیدان و همچنین عزم راسخ برای ادامه راه شهیدان است. ازآنچه که تاکنون نوشته شده، ساده‌ترین و کوتاه‌ترین و در عین‌حال پر معناترین آن‌ها، با امضاء «یك برادر مسلمان» است که نوشته: **یاد خسرو روزبه گرامی باد.**

توجه!

علاقه‌مندان به«نمایشگاه به‌یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران» می‌توانند تا روز ۱۵ خردادماه ۱۳۵۸، از ساعت ۱۵ تا ۱۹، در محل دانشگاه صنعتی تهران، محوطه بین تالارها، از این نمایشگاه دیدن کنند.

ضمنا یادآور می‌شود که این نمایشگاه متعلق به‌همهٔ شهیدان راه آزادی و استقلال ایران، صرف نظر از تفاوت درعقایدسیاسی، مسلکی و مذهبی آن‌ها است، لذا از همه میهن‌پرستان و آزادیخواهان ایران‌وبه‌ویژه از بازماندگان و دوستان همه شهیدان خواستاریم که عکس و اطلاعات مربوط به‌زندگی و پیکار و شهادت شهیدان غیر توده‌ای را نیز در اختیار اداره کنندگان نمایشگاه و یا دفتر «مردم» قرار دهند. موجب سپاس فراوان خواهد شد.

گوشه‌ای از نمایشگاه به‌یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران